



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

سال هفدهم - آبان ۷۴

شماره ۲۸۳

"تعمیرات و مجازاتهای بازدارنده"

تلاطم جامعه درآینه دانشگاه

تحركات باندهای سیاه جهت مرعوب ساختن مخالفین نظام ولایت مطلقه، درچند ماهه اخیر آشکارا رویه تشدید نهاده است. اقدامات موردی گروه نوظهور «انصار حزب الله» نظیر حمله به دفتر یک روزنامه و برهم زدن یک سخنرانی و غیره که درسکوت نسبی جناحهای حکومتی جریان داشت، با آتش زدن کتابفروشی «مرغ آمین» وارد مرحله جدیدی شد. این موضوع سبب گردید تا هرکس به صراحت درمورد چنین اقداماتی اظهار نظر کند. جناح رسالت، روزنامه کیهان و قبل از همه احمد جنتی عضو فقهای شورای نگهبان که یکی از گردانندگان اصلی «انصار حزب الله» است، این اقدامات را همان اجرای «امر بمعروف و نهی از منکر» و یک وظیفه دینی دانسته و از آن حمایت کردند. جناح خلق شده از قدرت یعنی جناح حزب الله، زبان به انتقاد دوستانه و مشفقانه از برادران تنی خود «انصار حزب الله» گشود و دراین مسیر تایید پاره ای از محافل اپوزیسیون قانونی رانیز بهمراه داشت. دولت ویا جناح رفسنجانی اما با اختیار نمودن سکوتی تایید آمیز، به وقایع جاری تن سپرد. قضایا اما به همین جا ختم نشد. «انصار حزب الله» که پشتش به جناح مسلط حکومتی وصل است به حرکات موردی خود روال منظم تری بخشید و به تهدید علنی تمامی مخالفین و قبل از همه به ایجاد رعب و وحشت درمیان مردم پرداخت. مهرماه یعنی ماه بازگشایی مدارس و دانشگاهها بامانورهای هفتگی انصار حزب الله توأم گشت. صدها زن و مرد حزب الهی وابسته به این دارودسته که گاه با دسته موتورسواران و یا حتی نیروهای انتظامی همراهی میشدند، تهران را عرصه تاخت و تاز خویش قرار داده و هر هفته درنقطه ای از این شهر به خیابانها ریختند و یا شعارهایی به طرفداری از ولایت فقیه، سعی کردند فضای جامعه را از ترس و وحشت آکنده نمایند.

صفحه ۲

با بحرانی ترشدن اوضاع سیاسی رژیم جمهوری اسلامی ورشد نارضایتی و اعتراض درمیان توده زحمتکش مردم، مجموعه ای از اقدامات توسط رژیم برای مهار وکنترل این مبارزات، تحت عنوان «استراتژی بازدارندگی» بمرحله اجرا درآمده است. درپی تشکیل گردانهای ضد شورش موسوم به گردانهای عاشورا، و واحدهای واکنش سریع که هدف از ایجاد آن، «خفه کردن هرگونه تحرکی» «درداخل مرزها» و خنثی کردن آن «درابتدای

شکل گیری» اعلام گردید، نوبت به مجلس ارتجاع رسید که آن هم به سهم خود، برای تکمیل «استراتژی بازدارندگی» «تعمیرات و مجازاتهای بازدارنده» را تعیین کند. لذا دراواخر مهرماه مجلس، لایحه ای را بنام لایحه مجازات اسلامی «تعمیرات و مجازاتهای بازدارنده، تصویب کرد. مفاد این لایحه، اساسا مربوط به مجازاتهایی است که برای مخالفت با جمهوری اسلامی، با توجه به

صفحه ۳

فراخوان کمک مالی

خطاب ما به همه کسانی است که خود را درآرمانها، اهداف و مبارزه سچفخا (اقلیت) سپیم میدانند. برکسی پوشیده نیست که هر سازمان سیاسی برای پیشبرد مبارزه خود، روزمره با مخارج سنگینی روبروست. تامین این مخارج مستلزم داشتن امکانات و منابع مالی است. بدون این منابع مالی، تامین هزینه حتی یک اعلامیه هم ممکن نیست. مسئله امکانات مالی یک سازمان سیاسی تا بدان پایه حائز اهمیت است که گاه میتواند برحیطه فعالیت، گستردگی ویا محدودیت آن مستقیما تاثیر بگذارد. سازمانهای سیاسی که از منابع سرمایه داران و ثروتمندان دفاع میکنند، دراین زمینه با مشکلی روبرو نیستند و منابع مالی متعددی دراختیار دارند. اما سازمانهای انقلابی که از منابع کارگران و زحمتکشان دفاع میکنند، همواره با مشکل مالی روبرو بوده اند، چرا که منبع تامین مالی مخارج آنها یا حق عضویت هائی است که اعضاء میپردازند، یا کمکهای محدودی است که از سوی هواداران و مردم زحمتکش به آنها میشود. این مشکل درکشورهائی نظیر ایران که دیکتاتوری های عریان حاکم است و امکان مبارزه علنی وجود ندارد و رابطه سازمانهای انقلابی با توده کارگر و زحمتکش محدود است، بسیار جدی تر وحادتر است.

سازمان ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. اما بهرحال هربار که این معضل حاد شده است، با یاری اعضاء و فعالین، هواداران و همه کسانی که جانبدار سازمان هستند، درمحدوده ای حل شده است. اکنون باردیگر مشکل مالی سازمان بنحوی جدی وحاد مطرح است. این مشکل درابعادی است که بیم آن میرود تاثیر خود را بردامنه فعالیت های فعلا موجود سازمان نیز برجای بگذارد، لذا از همه کسانی که خود را درآرمانها، اهداف و مبارزه سازمان سپیم میدانند و درقبال مشکلات سازمان احساس مسئولیت میکنند، میخواهیم که با کمک های مالی خود به هر میزان که مقدور است سازمان را درحل این مشکل بمنظور پیشبرد وظائف انقلابی اش یاری رسانند.

صفحه ۱۶

یادداشتهای سیاسی

صفحه ۷

ازمیان نشریات

صفحه ۱۲

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری ۸

صفحه ۴

اخباری از ایران

صفحه ۱۱

اخبار کارگری جهان

صفحه ۱۰

اطلاعیه های مشترک

صفحه ۶

سخنرانی نماینده حزب کمونیست کوبادر پنجمین اجلاس مجمع سائوبولو

تلاطم جامعه در آینه دانشگاه

«انصار حزب الله» که هریار تاریخ ومحل اقدام بعدی خویش را اعلام مینمود دریکی از همین مانورها علنا عنوان کرد که نخواهد گذاشت جلسه سخنرانی که از سوی انجمن اسلامی دانشکده فنی تدارک دیده شده بود برگزار گردد ومحل بعدی حرکت خود را دانشگاه تهران قرارداد. مانور «انصار حزب الله» از خیابانهای تهران، به دانشگاه تهران انتقال یافت ونوزدهم مهرماه با حمله به آمفی تئاتر دانشکده فنی، این اجلاس را برهم زد.

عکس العمل دانشجویان درقبال این مساله حاکی از گشایش دوره جدیدی در مبارزات دانشجویی بود. دانشجویان با سردادن شعارهایی نظیر مرگ برفاشیسم ومرگ برحماقتدار به استقبال «انصار حزب الله» رفتند. گرچه برگزارکنندگان رسمی این مراسم دفتر تحکیم وحدت بود، اما موضعگیری دانشجویان وشعارهای آنها علیه مهاجمین، نشانی از نقش فعال دانشجویان آگاه وحاکمی از دخالت مستقل توده دانشجویان بود. حمله «انصار حزب الله» به دانشکده فنی موج وسیعی از اعتراض دانشجویی را برانگیخت ونه فقط دانشجویان دانشگاه تهران، بلکه دانشجویان دانشگاه اصفهان، دانشگاه ملی سابق وبرخی از شعب دانشگاه آزاد در شهرستانها نیز نسبت به این اقدامات دست به اعتراض زدند واز دولت خواستند موضع خود رادرقبال این تحركات روشن سازد. بدنبال این قضایا «شورای انقلاب فرهنگی» تشکیل جلسه داد اما از اتخاذ یک تصمیم مشخص عاجز بود وهیچ حرفی برای گفتن نداشت ودولت درمجموع ساکت ونظاره گر باقی ماند. دانشجویان اما ساکت ننشسته واعترافات وسیعی را تدارک دیدند. ۲۵ و ۲۶ مهرماه دانشجویان دانشگاه اصفهان، تظاهرات نسبتا وسیعی دراعتراض به تحركات «انصار حزب الله» برپا کردند. مراسم اعتراضی مشابهی که از سوی دانشجویان دانشگاه تهران برای روز ۲۵ مهر تدارک دیده شده بود بدستور مستقیم شخص خامنه ای وتهدیدات فرستادگان وی لغو گردید. اما این حرکت اعتراضی وپردامنه که درسالهای اخیر کم سابقه بوده است سرانجام روز ۳۰ مهرماه با حضور هزاران تن دانشجویان برگزار گردید. اگرچه دراین حرکت اعتراضی نیز بدستور خامنه ای بایستی به سخنگوی «انصار حزب الله» (حسین الله گرم) نیز اجازه سخنرانی داده میشد وداده شد ونامبرده نیز سخنان تهدیدآمیزی علیه گرایشهای مخالف ولایت

مطلقه فقیه ایراد نمود وتاکید کرد چنانچه مسولین کشور جلو قضایا وتفکرات غیر دینی رانگیرند، انصار حزب الله خود وارد عمل شده وجلو آنها را خواهند گرفت، اما این سخنان درمیان دانشجویان شنونده ای نداشت ونحوه استقبال همان بود که هفته قبل بود وانبوه دانشجویان سخنان این مزدور را به مسخره گرفتند. سخنگوی انجمن اسلامی نیز درمحدوده منافع جناح خلع ید شده از قدرت، سخنانی درزمینه قانونگرایی وآزادی بیان واندیشه عنوان کرد که به روشنی بسیار پائین تر از سطح مبارزه وخواست تجمع گسترده دانشجویان بود. اعتراض ومبارزه ای که رژیم به رغم کوشش هایش، نتوانست جلو آنرا بگیرد.

بیانیه ها و موضعگیریهای بعدی جناحهای درگیر دراین قضایا، نشان داد که کشمکشها ادامه یافته وپیش از هرچیز، جناح مسلط هیات حاکمه مصمم به کسب تمام قدرت است. «جامعه روحانیت مبارز تهران»، شورای نگهبان، اکثریت مجلس وشخص خامنه ای بعنوان فرد اول حکومت اسلامی باضافه بخش اعظم روحانیونی که بعد از روی کار آمدن حکومت اسلامی به نان ونوایی رسیده اند، خواهان قدرت بیشتر وخواهان حاکمیت بلامنازع ویکپارچه این جناح اند. «انصار حزب الله» بمشابه بازوی متحرک این جناح وبمشابه آن ابزاری است که بایستی این موضوع را به رقبا تفهیم کند. «انصار حزب الله» از موضع قدرت واز دریچه حمله به «لیبرال» ها و «تفکرات غیر دینی» برادر دوقلو، جناح حزب الله را تحت فشار قرارداده، آنها را از «جریانان غریزه وبوروکرات» میترساند واز آنان میخواهد که صف وحساب خود را از «لیبرالیسم» و «سکولاریسم» جدا ساخته والتزام خود به رهبری و ولایت مطلقه فقیه را به صراحت اعلام دارند. «انصار حزب الله» سوی تهدیدها واستفاده از روشهای فیزیکی وقهری، باتوسل به این ابزارها، رقبای خود را یکی پس از دیگری خلع سلاح کرده ونه فقط زمینه را برای کسب تمام قدرت درانتخابات آتی فراهم میکند ونه فقط از همین امروز عناصر وابسته به جناحهای رقیب را تا آنجا که میتوانند یک به یک کنار میزنند، بلکه همچنین تصویری از چشم انداز تداوم حکومت مطلقه فقیه رانیز ترسیم میکند. جناح حزب الله نیز که کاملا به نیات جناح مسلط هیات حاکمه واقف است، از آنجا که هنوز بکلی از تحرک نیفتاده است دربرابر تهاجمات انصار حزب الله تا آنجا که کل نظام به خطر نیفتدواکنش نشان داده، نسبت به اینکه هرروزه عناصر حزب الهی کنارزده میشوند، ویا اجازه داده نمیشود

افراد وابسته ویا مورد علاقه حزب الله «آزادانه» نظرات خویش را بیان دارند، به اظهار گلایه میپردازد. حزب الله درعین حال جریان حاکم را جریانی «تمامی طلب» میدانند که به چیزی کمتر از «حاکمیت مطلق» قانع نیست ومیخواهد با توسل به حرکات «انصار حزب الله» وایجاد «آنارشی»، به اهداف ومقاصد خود برسد. آقای رفسنجانی وجناح وی اما دراین میان نقش مهمی ندارد. چنین بنظر میرسد نقش این جناح عجالتا خاتمه یافته باشد. رفسنجانی علاوه برسکوتش دربرابر یکه تازها وتهاجمات «انصار حزب الله»، از آنجا که خود نیز روحانی وعضو «جامعه روحانیت» ونیز طرفدار سفت وسخت حکومت مذهبی ومداخله روحانیون درحکومت است، لاجرم دربرابراین هجوم انصار حزب الله پیشاپیش خلع سلاح است ودرعمل چاره ای ندارد جز اینکه دست وزبان خود را به نفع جناح مسلط بکار اندازد. خلاصه آنکه مسیر حاکمیت مطلق حکومت ولایت مطلقه فقیه، توسط انصار حزب الله گشوده شده وبی آنکه با مانعی جدی از درون جناحهای حکومتی مواجه گردد، هموار میشود.

اگر که یکی از اهداف مسلم جناح مسلط هیات حاکمه هموارکردن مسیر پیروزی در «انتخابات» آتی وکسب تمام قدرت است، امایقینا این تنها هدف آن نیست. واقعیت اینست که نتیجه باصلاح انتخابات مجلس ویا انتخابات ریاست جمهوری از هم اکنون برهمگان معلوم است. نه جناح مسلط حکومتی ونه جناح های رقیب تردیدی بخود راه نمیدهند که این باصلاح انتخابات به نفع جناح مسلط هیات حاکمه رقم خواهد خورد. مقدمه چینی های قبلی ومنجمله نظارت استصوابی شورای نگهبان برانتخابات، تضمین کافی دراین مورد بدست میدهد. بنابراین روشن است که برای رسیدن به چنین مقصودی نیازی به راه انداختن سروصدای «انصار حزب الله» وآتش زدن کتابخانه ها وکتابفروشیها نیست. اهداف جناح مسلط حکومتی از این مانور بازیها، صرفا درپختن آوردن حاکمیت مطلق خلاصه نمیشود. آنچه را که این جناح از هم اکنون درتدارک آن است درواقع امر راه وروش بعد از پایان انتخابات را ترسیم میکند. «انصار حزب الله» از هم اکنون باید درسطح جامعه رعب وهراس ایجاد کند، مستقل از هرقاعده وقانونی جلو هر جنبنده ای را بگیرد، سر هر مخالفی را زیر آب کند به این حرکات تداوم بخشد تا درفرزاد حکومت مطلقه این جناح نیز، کسی حتی از برادران تنی هم جرات ابراز وجود

"تجزیرات و مجازات‌های بازدارنده"

تلاطم جامعه در آینه دانشگاه

نداشته باشند. اگر که به اقدامات و مانورهای «انصار حزب الله» مانور نیروهای مختلف مسلح و بسیجی را در تهران و سایر شهرستانها اضافه کنیم. اگر که به این مسائل از سرگیری موج دستگیریها و اعدامها را بیفزاییم به اهداف پلید رژیم حاکم مبنی برگسترش جو خفقان و سرکوب بازهم بیشتر پی خواهیم برد. اختناق و سرکوبی که نه فقط شامل نیروهای انقلابی و توده های مردم میشود، بلکه حتی جناحهای خودی و برادران تنی رانیز بی نصیب نمیگذارد. تجربه و حرکت اخیر دانشگاه تهران اما نشان داد که جناح مسلط هیات حاکمه ولو آنکه قدرت مطلقه را هم بدست آورد، نخواهد توانست جامعه را به سکوت و بی تفاوتی کشانیده، روشنفکران و مردم زحمتکش را مرعوب سازد. دانشگاه تهران نشان داد که جناح مسلط حکومتی نمیتواند به سادگی مقاصد خویش را پیاده کند. «انصار حزب الله» که دردانشگاه با مرگ برفاشیسم و مرگ برچماقدار رویرو گردید، در بیرون از دانشگاه نیز یقینا پاسخهای مشابه و برصلاطت تری از طرف مردم زحمتکش دریافت خواهد نمود. درآینه دانشگاه نیز تلاطم جامعه است که بازتاب یافته است.

■ توضیح و تصحیح

در گزارش آکسیونهای یاد جانباختگان قتل عام ۶۷ مندرج در شماره ۲۸۲ نشریه کار، درخبر مربوط به سوئد نام کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید، به اشتباه کانون دفاع از زندانیان سیاسی قید شده است که بدینوسیله تصحیح میگردد.



رژیم را در این زمینه باز میگذارد، در عین حال که میتواند هر زمان که بخواهد تحت عنوان محارب و غیره و ذلک گروهی را نیز اعدام کند.

ثانیا - این مصوبه مصرف خارجی هم دارد. رژیم جمهوری اسلامی بعنوان رژیمی که ابتدائی ترین حقوق انسانی مردم ایران را از آنها سلب نموده و مخالفین خود را بی رحمانه کشتار میکند یا به زندانهای طویل المدت محکوم مینماید، در عرصه جهانی شهره است. از اینرو سازمانهای مدافع حقوق بشر، وانساندوست، مکرر جمهوری اسلامی را محکوم نموده و حتی سازمان ملل نیز اقدامات سرکوبگرانه آنرا مورد انتقاد قرار داده و محکوم کرده است. در عین حال فشار افکار عمومی بویژه در کشورهای اروپایی، دولت‌های این کشورها را در برخی موارد ناگزیر نموده است، فشارهایی که جمهوری اسلامی در زمینه نقض حقوق انسانی بیاورند. اکنون رژیم باین مصوبه میخواهد که از دامنه این فشار بین المللی بکاهد، چرا که در این مصوبه ظاهرا نه تنها از اعدام خبری نیست بلکه حداکثر مجازات آن ده سال است.

اینست اهداف رژیم از تصویب لایحه «مجازات اسلامی»، «تجزیرات و مجازات‌های بازدارنده» اما اینکه چه نتیجه ای از آن عایدش خواهد شد، از هم اکنون روشن است که هیچ. چرا که در مورد اهداف داخلی خود، با توجه به مرحله ای که جنبش توده ای به آن رسیده است و ابعاد گسترده نارضایتی نه میتوان مردم را ترساند و مرعوب نمود و نه اینکه بارشده و اعتلاء آتی جنبش و ابعاد میلیونی که بخود خواهد گرفت، میتوان آنها را محکوم و بزدان انداخت. در مورد اهداف خارجی رژیم نیز شکست آن کاملا روشن است، و خود این لایحه بقدر کافی افشاء گر خصیصه‌های ضد دمکراتیک و ارتجاعی رژیم است. در همین لایحه گفته میشود هرکس جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور در مخالفت با رژیم تشکیل دهد، تا ده سال محکوم خواهد شد، یا اگر کسی علیه رژیم یا بنفع مخالفین آن صرفا حرف بزند تا یک سال محکوم خواهد شد و غیره. شاید تنها نتیجه ای که این مصوبه از جهت اهداف خارجی رژیم داشته باشد، امکان مانور بیشتر دادن به دولت‌های اروپایی است که توجیهی برای گسترش مناسبات خود با جمهوری اسلامی پیدا کنند یا تحت این عنوان که در ایران جان کسی در خطر نیست، از پذیرش پناهندگان ایرانی سرباز زنند و یا آنها را تحویل جلادان حکومت اسلامی بدهند.

وضعیت و اهداف داخلی و بین المللی رژیم تعیین شده است.

در ماده اول این مصوبه مجازات تشکیل دسته جمعیتی با بیش از دو نفر که «هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد» از دو تا ده سال حبس تعیین شده است. البته مشروط به اینکه «محارب شناخته نشود».

ماده ۳ تبلیغ به هرنحو علیه جمهوری اسلامی یا به نفع سازمانهای مخالف رژیم را به محکومیت تا یک سال تهدید میکند. برطبق ماده ۸ - «هرکس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هروسيله اطلاعات طبقه بندی شده را» «در اختیار دیگران قرار دهد» یعنی بزبان ساده بخواهد از طریق انتشار اسناد فساد و کثافت کاریهای رژیم، علیه آن دست به افشاکاری بزند از ۲ تا ۱۰ سال حبس محکوم میگردد. ماده ۱۵ میگوید «هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند» به یک تا ۵ سال حبس محکوم میگردد. در یکی از ماده های دیگر مجازات «اهانت» به خمینی یا خامنه ای تا ۲ سال حبس تعیین شده است و ایضا اهانت به مقدسات اسلام البته مشروط به اینکه «مشمول حکم سائب النبی نباشد» به حبس از سه ماه تا دو سال یا تا ۷۴ ضربه شلاق تعیین شده است.

ناگفته روشن است که این مصوبه نه نافی توانین و مقررات رژیم در کشتار، اعدام و محکومیت‌های طویل المدت بیش از ده سال برای مخالفین است و نه دست رژیم را در مورد صدور این احکام خواهد بست. در بند بند این لایحه این واقعیت بچشم میخورد. از جمله اینکه این مصوبه در مورد کسانی صدق میکند که «محارب شناخته» نشوند. و میدانیم که جمهوری اسلامی نه فقط اعضاء و هواداران سازمانهای انقلابی و مبارز بلکه حتی برخی از سازمانهای بورژواژنی مخالف خود را بعنوان محارب میشناسد و مجازات آن اعدام یا حبسهای فوق العاده سنگین است.

بنابراین، تصویب لایحه فوق الذکر، اهداف دیگری را دنبال میکند، بدین ترتیب که اولاً - در شرایط رشد اعتراضات توده ای و بازداشت صدها هزاران تن از توده های مردم، میخواهد مردم را بترساند و باصطلاح «مجوز» قانونی برای محکوم کردن آنها داشته باشد، در همان حال میداند که نمیتوان هزاران تن از مردم عادی را که هم اکنون صدها نفر از آنها در زندان بسر میبرند، به اعدام و حبس ابد و غیره محکوم ساخت. این مصوبه دست

***** اخباری از ایران *****

پس از بیست و اندی سال کارشبانه روزی این است پاداش و دستمزد ما.

■ کارگران شهرداری قزوین خواستار بلوکه شدن حسابهای بانکی این شهرداری شدند. کارگران شهرداری قزوین مدتی است حقوق خود را دریافت نکرده اند. علاوه بر این شهرداری از پرداخت مابه التفاوت ناشی از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، حق سختی کار، پرداخت عیدی و پاداش کارگران، تشکیل کمیته حفاظت کار و پاسخگویی به خواستههای کارگران سرباز زده است. علیرغم اعتراضات کارگران، شهرداری توجهی به مسائل و مشکلات آنها ندارد و حتی حق بیمه و مالیات کارگران را نیز که همه ماهه از حقوقشان کسر میشود به تأمین اجتماعی نپرداخته است. نماینده کارگران شهرداری قزوین ضمن شکایت به دادگستری، خواهان بلوکه شدن حسابهای بانکی شهرداری و پرداخت مطالبات کارگران از موجودی این حسابها شد. ۱۸۰۰ کارگردانی و فصلی در شهرداری قزوین به کار اشتغال دارند.

■ تجمع ۲۷۰ تن از کارکنان بیمارستان در قم بدنبال واگذاری بیمارستان. " شهید بهشتی " قم از سوی بنیاد شهید انقلاب اسلامی به دانشگاه غیر انتفاعی علوم پزشکی خواهران فاطمیه، این بیمارستان عملاً به تعطیل کشانده شد تا بعد از تعمیرات و تجهیز آن، به بیمارستان آموزشی ویژه بانوان تبدیل شود. در این رابطه ۲۷۰ تن پرسنل مرد این بیمارستان پس از چند هفته سرگردانی و بلاتکلیفی، از روزدهم مهرماه بمدت سه روز متوالی ضمن تجمع در محل بیمارستان خواستار روشن شدن وضعیت شغلی خود شدند.

■ رکود صنایع و اخراج کارگران مدیر گروه صنایع شیمیایی و سلولزی بنیاد مستضعفان در گفتگو با روزنامه رسالت گفت: در حال حاضر ۵۰ واحد صنعتی کوچک و بزرگ در شهر صنعتی قزوین در آستانه تعطیلی قرار دارند. وی همچنین عنوان نمود که " در صورت امکان باید اجازه تعدیل نیرو تا حد قابل قبول به واحدها داده شود " تا " معضل مازاد نیروی انسانی در شرکت ها را از طریق بازنشست و بازخرید کارگران حل و فصل کرد. "

■ شیوع وبا در چند استان کشور آلودگی آب آشامیدنی و نبود امکانات بهداشتی سبب شیوع بیماری وبا در چند استان کشور از جمله آذربایجان شرقی، اردبیل و کردستان شده است. تنها در شهر تبریز، بنابر گزارشات رسمی، شیوع بیماری وبا به مرگ ۲۰ تن انجامیده است

قطع انگشتان دست و پای کارگران شده است. لازم به توضیح است که بنابه گزارش روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی تنها در خرداد ماه سال جاری ۳۱۱۶ مورد حادثه ناشی از کار روی داده است.

■ اخراج ۵۰ کارگر کارخانه ملبیران حدود ۵ ماه است که کارگران کارخانه ملبیران که بالغ بر ۴۵۰ تن هستند بیکار و بلاتکلیف اند. مدیر کارخانه کارگران را در حالیکه هنوز بسیاری از مطالبات معوقه خود را دریافت نکرده اند از کار بیکار کرده است، نه حاضر به بازگرداندن کارگران است و نه حاضر است جزئی ترین مبلغی به کارگرانی که بعضاً سالهای زیادی سابقه کار دارند بپردازد. کارگران اخراج شده اقدامات اعتراضی شان به نتیجه ای نرسیده است و خود و خانواده شان در گرسنگی بسر میبرند. فرزند یکی از کارگران مزبور میگوید: " من دانش آموز سال اول دبیرستان رشته تجربی که سال قبل با وجود مشکلات بسیار زیاد با معدل ۱۷،۷۵ قبول شدم دیگر نمیتوانم به مدرسه بروم زیرا باید کارکنم تا باری از مشکلات خانواده ام را از دوش آنها بردارم. "

■ ۹۰۰ کارگر کارخانه پارچه بافی مقدم در آستانه اخراج بیش از ۸۰ درصد بخشهای مختلف کارخانه پارچه بافی مقدم واقع در نظر آباد در حالت تعطیلی بسر میبرند. مدیران کارخانه به کارگران اعلام کرده اند که تا یکی دو هفته دیگر تولید کاملاً متوقف میشود. آنان از کارگران خواسته اند بادیافت يك و نیم میلیون تومان خود را باز خرید نمایند. مدیران مدعی هستند که بدلیل سیاستهای ارزی دولت کارخانه با کمبود نقدینگی، نبود مواد اولیه و مشکلات ارزی و روبروست و دیگر پول و مواد اولیه ای که برای ادامه تولید موجود نیست هیچ، کارخانه يك میلیارد تومان نیز بدهکار است. اما کارگران میگویند کارخانجات مقدم مالك ۵۰ هکتار زمین در شهرک صنعتی سپهر در نظر آباد است ما باتلاش بسیار موفق شدیم مجوز فروش این زمینها را بگیریم تا با فروش آنها مشکل کمبود نقدینگی حل شود. اما مسنولین شرکت تاکنون حتی يك وجب از این اراضی را به فروش نرسانده اند. گویا قصد دارند شرکت را عملاً به تعطیلی بکشانند. شرایطی را ایجاد کرده اند که کارگر با پای خود از شرکت بیرون برود. میگویند بیانیید باز خرید شوید. يك میلیون و پانصد هزار تومان وجه میدهند ولی مگر میشود با این مبلغ زندگی کرد.

■ ۱۲۰ تن از کارگران شرکت دخانیات با تهیه طوماری، خواستار اجرای بدون قید و شرط قانون بازنشستگی پیش از موعد شدند. در طومار اعتراضی کارگران مزبور اشاره شده است که بر اساس بخشنامه های کمیته کارهای سخت و زبان آور، کارگران کارخانه دخانیات بدلیل شرایط کارشان مشمول بازنشستگی پیش از موعد میگرددند. تعدادی از کارگران نیز بر اساس این قانون بازنشسته شده اند اما شرکت دخانیات از عملی ساختن قانون فوق در مورد سایر کارگران سرباز میزند از جمله ۱۲۰ کارگر امضاء کننده طومار با اینکه به لحاظ میزان سابقه کار مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد میشوند، هنوز بازنشسته نشده اند. لازم به توضیح است بدلیل شرایط آلوده و مطلقاً غیر بهداشتی واحدهای تولیدی دخانیات، کارگران در معرض انواع بیماریها بویژه بیماریهای ریوی قرار دارند و صدمات جسمی جبران ناپذیری را متحمل میگرددند.

■ شرایط وحشیانه کار در کارخانه کشمیران شرایط در کارخانه کشمیران چنان وحشتناک است که کارگران داوطلبانه با دریافت تنها یکماه حقوق خود را بازنشسته میکنند. یکی از کارگران این کارخانه میگوید: " بواسطه شرایط خاص کاری در این شرکت تاکنون ۴ نفر سرطان خون گرفته اند. مدیران میگویند ما به قانون کار کاری نداریم. فشار روی کارگران آنقدر زیاد است که داوطلبانه با دریافت یکماه حقوق خود را باز خرید میکنند. باز خرید های ما حداکثر از ۴۵ روز حقوق تجاوز نمیکند. . . . کار ما سخت و زبان آور است ۸ ساعت کامل سرپا هستیم اما توان خرید يك جفت کفش رانداریم. . . . ما با ۶ سر عائله در يك اتاق ۱۲ متری زندگی میکنیم. "

■ حوادث ناشی از کار حوادث ناشی از ناایمنی محیط کار مداوماً به معلول یا کشته شدن کارگران می انجامد. تنها در روز دوم مهرماه ۴ مورد حادثه ناشی از کار در روزنامه های رسمی رژیم منعکس شده است که ۳ مورد آن به مرگ کارگر و يك مورد به قطع دست کارگر انجامیده است. همچنین بنابر آمار ارائه شده توسط اداره کل بازرسی کار وزارت کار در هفته نخست مهرماه مجموعاً ۱۴ مورد حادثه ناشی از کار رخ داده است که يك مورد آن منجر به مرگ و ۵ مورد آن منجر به قطع انگشتان دست کارگران شده است. هفته دوم مهرماه ۲۷ مورد حادثه ناشی از کار منجر به فوت يك کارگر و سه مورد منجر به

بررسی است. در مورد پرونده سوء استفاده مالی در بانک ملت و بانک تجارت نیز افزود که پرونده افتخاری مدیر عامل سابق بانک تجارت و فرجی عضو هیئت مدیره بانک ملت تحت بررسی قرار دارد. او میزان سوء استفاده مالی عضو هیئت مدیره بانک ملت را ۱۵۷ میلیون تومان اعلام نمود.

■ ۴۰۰ هزار حاشیه نشین شهر تبریز حتی فاقد یک مدرسه هستند

طی سالهای اخیر پیوسته بر تعداد تهیدستانی که در حاشیه شهرهای بزرگ زندگی میکنند واز حداقل امکانات محروم اند افزوده شده است. وضعیت اسف بار این تهیدستان بحدی است که همایون مقدم نماینده رژیم از تبریز اعلام نمود که هم اکنون بیش از ۴۰۰ هزار نفر به عنوان حاشیه نشین در شهر تبریز زندگی میکنند و اکثر آنان پس از ۲۰ سال زندگی در این مناطق حتی فاقد یک مدرسه هستند.

■ افزایش نرخ تورم

بر طبق گزارش اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی که در همراه انتشار یافت، شاخص بهای عمده فروشی کالاها در تیرماه ۷۴ نسبت به ماه مشابه سال قبل ۶٫۵ درصد و شاخص کالاها و خدمات مصرفی در همین مدت ۵۲٫۹ درصد افزایش یافت.

■ افزایش کرایه وسایل حمل و نقل شهری

علیرغم اینکه در اوائل سال جاری در پی افزایش بهای بنزین نرخ کرایه خودروهای عمومی و تاکسی ها بین ۱۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافت، مجدداً کرایه حمل و نقل مسافر بنحو قابل ملاحظه ای افزایش یافته است. در حالیکه در خرداد ماه ورودی هر مسافر ۱۰۰ ریال بود اکنون به ۲۰۰ ریال رسیده است. کرایه در برخی مسیرها حتی به ۳ برابر افزایش یافته است. بعنوان نمونه در مسیر میدان آزادی - شهرک قدس که در خرداد ماه ۱۵۰ ریال بود اکنون به ۵۰۰ ریال افزایش یافته و یامسیر میدان انقلاب بازار از ۳۰۰ ریال به ۵۰۰ ریال افزایش یافته است.

■ کاهش صادرات غیر نفتی

ورشکستگی مالی دولت و سیاستهای مالی و ارزی اخیر نه فقط موجب رکود تولید است بلکه باعث کاهش صادرات شده است. اسدالله عسکروادی نایب رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن اعلام کرد که طی چهارماه اخیر نسبت به مدت مشابه سال قبل مجموعاً صادرات غیر نفتی کشور ۳۵ درصد کاهش یافت. وی گفت سال گذشته حجم صادرات غیر نفتی به ۴٫۵ میلیارد دلار رسید، اما سیر نزولی صادرات غیر نفتی طی

اصلاحیه از این قرار است: " تبصره - به دستگاههای موضوع این قانون اجازه داده میشود در صورت درخواست بانوان کارمند رسمی وثابت خود و موافقت بالاترین مقام مسئول ساعات خدمت آنان را به سه چهارم ساعات مقرر تقلیل دهند ". یکی از نمایندگان زن در مجلس بنام همایون مقدم در این مورد اظهار داشت " امروز که روز زینب است این هدیه را به زنان بدهیم تا بتوانند به کانون گرم خانواده بیشتر مشغول باشند" وی همچنین اضافه کرد که " پیام طرح اینست که بدون دریافت حقوق یک چهارم ساعات کار آنها را در ادارات تقلیل دهیم ". عبارت دیگر ساعات کار زنان کارمند مقدماً ۲۵٪ کاهش مییابد و به همین نسبت نیز از حقوق آنها کسر میشود تا بعداً به ۵۰٪ و بیشتر برسد! لازم به ذکر است که این " هدیه " مجلس ارتجاع در جلسه روز نهم مهرماه که روز پرستار هم نامیده شده است به پرستاران و سایر زنان کارکن داده شده است.

■ رژه " انصار حزب الله "

غروب روز سیزدهم مهرماه، عده ای از نیروهای حزب الهی که دو آخوند نیز در میان آنها دیده میشد و خود را آمرین امر به معروف و ناهیان از منکر معرفی میکردند، با تجمع در مقابل هتل عباسی اصفهان که محل اقامت مهمانان و شرکت کنندگان در جشنواره فیلمهای کودکان و نوجوانان بود به شعار دادن علیه " فرهنگ غربی " و علیه برگزارکنندگان این جشنواره به بهانه اینکه شئون اسلامی را رعایت نکرده اند پرداختند. همچنین صدها تن از همین افراد روزهای دهم، نوزدهم و بیست و هفتم مهرماه در نقاط مختلفی از شهر تهران همچون میدان ولی عصر، دانشگاه تهران، شهرک غرب تهران و غیره دست به تظاهرات زده و با شعارهایی نظیر " مرگ بر بی حجاب " و " مرگ بر ضد ولایت فقیه " سعی کردند در میان مردم رعب و وحشت ایجاد کنند.

■ فساد دستگاه دولتی

فساد در دستگاه دولتی روز بروز ابعاد گسترده تری بخود میگیرد و موارد تازه تری از آن افشاء میگردد. رهبر پرور رئیس " دادگاههای انقلاب اسلامی " رژیم طی مصاحبه ای اعلام نمود که مرتضی هاشمی از مقامات بخش معاونت وزارت ارشاد به اتهام یک سوء استفاده مالی کلان دستگیر و پرونده وی تحت بررسی قرار گرفته است. وی تنها یک نمونه از سوء استفاده های مالی وی را فروش ۲۹ دستگاه آپارتمان متعلق به وزارت ارشاد اسلامی ذکر نمود. رئیس دادگاههای انقلاب اسلامی تهران در بخش دیگری از مصاحبه خود گفت که پرونده مستوفیان شهردار منطقه ۱۰ و سلیمانی قائم مقام مسئول حراست باتهام سوء استفاده مالی تحت

بعضی در این شهر ۶۰-۷۰ هزار نفر به این بیماری مبتلا شده اند. مسئولان بهداشت و درمان استان آذربایجان شرقی که ابتدا اساساً منکر شیوع بیماری بودند و آنرا شایعه میدانستند، سرانجام اعلام نمودند مرادی از ابتلا به بیماری وبا مشاهده شده و علت آن رفت و آمد ساکنین جمهوری آذربایجان به شهرهای استان آذربایجان شرقی است! با انباشته شدن بیمارستانها از مبتلایان به وبا سرانجام معاون امر بهداشتی وزارت بهداشت و درمان گفت: " ۷۰ درصد از موارد ابتلا به بیماری در حاشیه شهرها روی داده است. ساکنان این مناطق عمدتاً مهاجران روستائی هستند. در این مناطق وضعیت اقتصادی و اجتماعی مناسبی وجود ندارد و وضعیت بهداشت محیط، آب آشامیدنی و سیستم دفع ذباله و مدفوع نامطلوب است ". ویکی از کارکنان سازمان آب تبریز در مصاحبه با روزنامه سلام حاضر شد بشرط اینکه نام وی افشا نشود بگوید که طبق تحقیقات بعمل آمده ورود جریان فاضلاب به سیستم آب آشامیدنی یکی از علل بروز این بیماری است.

■ سرطان در کودکان و بزرگسالان

خانم مهناز ایلیخانی دبیر اولین کنگره پرستاری از کودکان سرطانی عنوان کرد بیش از ۷۰ درصد کودکان مبتلا به سرطان قابل درمان میباشند که بدلیل عدم مراجعه به موقع برای معالجه از طول عمر آنها کاسته شده و معالجه آنها با مشکل مواجه میشود. در طول هشت سال اخیر تعداد مبتلایان به سرطان ۸ برابر شده و همه ساله ۲۵ درصد بر تعداد آنها افزوده میشود. نامبرده استرسهای محیطی، آلودگی محیط زیست، گرانی دارو، فرسودگی دستگاههای رادیو تراپی و کمبود کادر ماهر را از عوامل اصلی ابتلا به سرطان در نوزاد کودکان دانست. در همین رابطه دکتر ملک زاده متخصص دستگاه گوارشی و استاد دانشگاه تهران در نخستین همایش علمی و فرهنگی دانشجویان پزشکی که در گرگان برگزار شد اعلام کرد که بر اساس مطالعات پژوهشهای دراز مدت انجام شده، منطقه کنبند در حال حاضر رکورد دار جهانی به لحاظ تعداد مبتلایان به سرطان مری است. وی گفت آمار تعداد مبتلایان به سرطان در دنیا بین ۱۵ تا ۲۰ نفر از هر صد هزار نفر میباشد در حالیکه این میزان در کنبند کاووس نزد مردان ۱۶۵ نفر و نزد زنان ۱۹۵ نفر از هر صد هزار نفر است.

■ " هدیه " به زنان بمناسبت روز زینب!

در اجلاس نهم مهرماه مجلس شورای اسلامی، کلیات طرح اصلاح " قانون خدمت نیمه وقت بانوان " به تصویب رسید. این اصلاحیه به شکل تبصره ای به ماده واحده قانون فوق که در تاریخ ۱۰، ۹، ۶۲ به تصویب مجلس رسیده است، الحاق گردید.

کمیته های کارخانه را در هر کارخانه و کارگاه ایجاد کنیم

سخنرانی نماینده حزب کمونیست کوبا در پنجمین اجلاس مجمع سائوپولو

در دهه گذشته با عرضه مکانیسم های متفاوت ، سعی داشته منافع دولت آمریکا را تامین نماید. همچنین طی پروسه ای موسوم به " مذاکرات آمریکای لاتین " سعی شده است تا مناسبات و روابط بین المللی در چارچوب همین منافع برآورده شود. هدف این مذاکرات ، یافتن طرح جدیدی برای روابط اقتصادی قاره است . هدف دوم ایزوله نمودن دولت انقلابی کوبا است . بهمین منظور آنها به مداخله نظامی در هائیتی دست زدند. این نمونه ای است از " امنیت جهانی " !

ننو لیبرالیسم موجب بیکاری، نزول سطح کیفیت زندگی در سوم ساکنین شبه قاره شده است . قدرت واقعی نه " دولتهای منتخب " که صاحبان بانک ها و موسسات مالی هستند. حال با این ترتیب، باید پرسید که آیا رای دهندگان در آمریکای لاتین و کارائیب نقش و تاثیر دارند؟ و چه امکانی برای اعمال دموکراسی وجود دارد؟

ما نخست میبایست به ارزیابی وضعیت احزاب و جریانات سیاسی در فاصله نشست چهارم و پنجم سانوپولو بپردازیم و چشم انداز مبارزات توده ای را ترسیم نمایم. در شرایطی که بحران سیاسی و اقتصادی تعمیق میشود، ما بدنبال یافتن آلترناتیو، گروهبندهای جدید و بازسازی ائتلافات هستیم . ماباید تاثیرات بحران و مبارزات توده ای علیه پدیده رشد یابنده فساد را در نظر داشته باشیم. مبارزات و جنبش های اجتماعی موجود در آمریکای لاتین و کارائیب مبارزاتی هستند در یک چارچوب تنگ و محدود.

در زمینه سیاسی، ما دستاوردهای داشته ایم: پیروزی حزب دموکراتیک انقلابی در پاناما در انتخابات ریاست جمهوری. از سوی دیگر ۲۹ میلیون رای دهنده با آراء خود به انتخاب صدها شهردار و نماینده نیروهای مولف سیاسی پرداخته اند. این آراء ۲۴ درصد کل آراء موجود است . بی شک، غالب احزاب و جنبشهای سیاسی ما فاقد تجربه کافی در این زمینه هستند. چه هنوز فاقد برنامه ای است که بتواند اکثریت توده های مردم را بسوی خود جلب نماید. احزاب و جریانات سیاسی ما در جریان مبارزات توده ها، دیده اند که آنها توده ها) درک واقعی تری از علل بحران ها دارند. به توده ها باید آموزش داده شود که " تغییر " در وضعیت اقتصادی - سیاسی در گرو تامین منافع کل آمریکای لاتین است و نه یک کشور خاص آن .

در یک کلام در فاصله دو کنفرانس، وضعیت در آمریکای لاتین و کارائیب را میتوان در تعمیق بحران اجتماعی - سیاسی خلاصه کرد. . . به منظور دست یافتن به یک استراتژی واحد در آمریکای لاتین باید توجه داشت که مبارزه علیه نئولیبرالیسم از مبارزه علیه سلطه طلبی جدا نیست.

متن زیر ترجمه و تلخیص مطلبی است تحت عنوان " ارزیابی از اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در آمریکای لاتین و کارائیب " که از سوی نماینده حزب کمونیست کوبا در پنجمین اجلاس مجمع سانوپولو که در ماه مه سال جاری در اووگوئه برگزار شده بود، ارائه شده است . این سخنرانی در ماهنامه International viewpoint شماره ۲۶۸ درج گردیده است .

" . . . بمنظور ارزیابی و بررسی معضلات شبه قاره ، نخست میبایست با دو درک غلط مرزبندی نمود. نخست آنکه شبه قاره بسوی تعالی و ترقی اقتصادی شتابان پیش میرود و دوم آنکه دموکراسی در حال تحقق میباشد. " از همینرو ضروری است که درک و شناخت درستی از مختصات دهه ۸۰ بعمل آید. طی این دهه تورم، بیکاری فزاینده ، کاهش تولید، محدودیت رشته های تولیدی، رسوایی های مالی و خلاصه کلام دهه ای بوده است که تملک و ثروت در اختیار تعداد قلیلی قرار داشته است .

ورشکستگی اقتصادی و بی ثباتی دولتهای موجود موجب شده که مالکیت و وسائل تولید به اعتبار دهندگان و وام دهندگان تعلق یابد و از سوی دیگر سلطه نیروهای خارجی بر سیاستهای محلی و داخلی اعمال گردد. برنامه موسوم به Brady از جمله برنامه هائی است که به موجب آن ، ورشکستگی بانکهای آمریکای شمالی، با واگذاری بخشهای تولیدی در آمریکای لاتین و کارائیب ، پیشگیری میشود. این برنامه متعاقبا به افزایش بدهی های خارجی این کشورها انجامید. تا پایان سال ۹۴ میزان این بدهی مجموعا بالغ بر ۵۳۴ میلیارد دلار بوده است .

مجموعه شرایط اقتصادی - اجتماعی در شبه قاره طی دهه گذشته، وضعیتی را بوجود آورده که فقر فزاینده ، بیش از دو سوم ساکنین را در چنگال خود کشیده است . حال، سوال اساسی این است که آیا با وجود وضعیت اقتصادی فوق ، امکان تحقق دموکراسی در آمریکای لاتین و کارائیب موجود است ؟ آیا دموکراسی امکان همزیستی با نابرابری و تبعیض را دارد؟ آیا دموکراسی برای کشورهایانی که هر روز وابسته تر میگرددند، میتواند معنایی داشته باشد؟ برای پاسخ به این سوالات ، نخست میبایست با این منطق مرزبندی نمود که معتقد است در تقسیم و مناسبات موجود بین المللی ، ماباید نقش تحت سلطگی را بپذیریم.

" نظم نوین جهانی " مشتمل بر معیارها و ارزشهایی است که میخواهد جهان را تحت انقیاد خود درآورد. آثانی که به پیروی تن ندهند، با تحریم اقتصادی روبرو میشوند. وضعیت در قاره ما بدین منوال است که قشری،

چند ماه اخیر بنحوی بوده است که پیش بینی میشود در پایان سال جاری تا مرز دو میلیارد دلار نسبت به سال قبل کاهش یابد.

وزیر بهداشت و درمان و رئیس شورای ملی تامین اجتماعی اعلام کردند که بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی باید از آغاز سال ۷۵ در مراکز درمانی و اختصاصی این سازمان نیز حق فرانشیز بپردازند. این بدان معناست که کارگران و زحمتکشان که با پرداخت حق بیمه تاکنون میتوانستند برغم نابسامانیهای مراکز درمانی سازمان تامین اجتماعی از خدمات درمانی رایگان برخوردار باشند، از این پس باید برغم پرداخت حق بیمه ، با هر مراجعه خود یا افراد خانواده شان به مراکز درمانی سازمان تامین اجتماعی مبلغی هم بعنوان فرانشیز (سهم مشارکت بیمه شده) بپردازند . در این مورد هم مردم زحمتکش باید تاوان ورشکستگی مالی دولت را بدهند که از پرداخت سهمیه خود سرباز زده و هم اکنون مبلغی حدود ۱۴۰ میلیارد تومان به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است .

اجرای مانور واحدهای ضد شورش در تهران جمهوری اسلامی بمنظور مرعوب نمودن مردم و سازماندهی و آموزش واحدهای ضد شورش ، طی چند ماه گذشته دست به یکرشته مانور در شهرهای مختلف ایران بویژه تهران زده است . آخرین این مانورها، مانور شهری ذوالفقار متشکل از گردانهای ضد شورش عاشورا و الزهرا با حضور ۳۰ هزار تن از مزدوران بسیج، سپاه پاسداران و پینجاه گردان از نیروهای انتظامی در منطقه ای بوسعت یکهزار کیلومتر مربع در تهران برگزار گردید. واحدهای ضد شورش مراکز حساس را به تصرف درآوردند و در متجاوز از هشتاد نقطه در شهر تهران مستقر شدند. قرار است بزودی یک مانور دیگر بنام مانور ذوالفقار در تهران برگزار گردد.

هر شب ۲۰ نفر زیر پلهای شهر تهران می میرند

به گزارش روزنامه سلام، پیرزنی به مدت چهارروز در یکی از ایستگاههای اتوبوس در تهران افتاده بود، مردم به مراکز و دستگاههای مختلف حکومتی از جمله کلانتریها، شهرداری، بهزیستی و کمیته امداد متوسل میشوند تا او را از مرگ نجات دهند. اما هیچ اقدامی صورت نگرفت . پاسخ هریک از آنها این بود که وظیفه ما نیست . شهرداری هم پاسخ داد که هروقت مرد با ما تماس بگیرد. سرانجام این پیرزن پس از چهار روز در همان ایستگاه اتوبوس می میرد. فردی که در تمام این مدت ناظر این ماجرا بوده است ، موقوف را برای راننده ماشین اورژانس که برای بردن جسد او آمده بود تعریف میکند. راننده اورژانس وضعیت انسانی نظیر این پیرزن فلاکت زده را چنین تصویر میکند " مثل این خانم شبی ۲۰ نفر زیر پلهای می میرند و دیگر این طور حوادث طبیعی شده است . "

از میان نشریات



دست آورد کنگره دوم راه کارگر

اترناسیونال جدید کارگری، از يك حزب جهانی کارگران سخن میگوید، بایدگاهی که از مسئله تعدد احزاب کارگری ارانه میدهند، باید شعار اترناسیونالهای جدید را مطرح کنند، چرا که دیگر اترناسیونال اول تکرار نخواهد شد و نمیتوان جریانهای مختلفی را که ممکن است در درون کارگران نفوذ داشته باشند، در یک حزب واحد جهانی گرد آورد. البته باید متذکر شد که دفاع از یک حزب واحد کارگری بمعنای نفی آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی نیست. تعدد احزاب میتواند وجود داشته باشد، حتی بخشی از کارگران میتوانند دنبال یک حزب سوسیال - دمکرات راه بیافتند اما این مسئله با دفاع از تعدد احزاب کارگری و اینکه چند حزب میتوانند منافع طبقه کارگر را نمایندگی کنند متفاوت است. اگر بحث بر سر گرایشها، تا حد اختلاف در تاکتیک باشد، در این حالت هم نمیتوان از تعدد احزاب کارگری دفاع کرد، چون اختلافات تاکتیکی و گرایشها نظری مختلف در یک چارچوب معین میتوانند و باید در درون یک حزب وجود داشته باشند، و بهیچوجه توجیه کننده ایجاد احزاب مختلف کارگری نیست.

بالاخره باید به یک نکته دیگر پلاتفرم هم اشاره کرد که رگه هائی از یک گرایش اکونومیستی - سندیکالیستی را نشان میدهد. در بند ۶ پلاتفرم گفته میشود " بینشی که حزب وهسته رهبری آنرا صاحب مطلق سوسیالیسم علمی میداند و کارگران را توده بی شکلی که مبیایست آگاهی " بدرون آنان برده شود، نمیتواند به ابتکارات و قدرت خود کارگران اعتماد داشته باشد. " در قسمت اول این عبارت که با بخش دوم آن نیز ارتباطی ندارد، معلوم نیست که مراد از " بینشی که حزب وهسته رهبری آنرا صاحب مطلق سوسیالیسم علمی میداند " چیست؟ اما میتوان استنباط کرد که این یک انتقاد از احزاب اردوگاه سابقا سوسیالیست است. اگر منظور همین باشد، انتقادی بجاودرست است، اما بخش دوم جمله نشان میدهد که میخواهند به بهانه وتوجیه مبارزه با یک انحراف، انحراف دیگری را توجیه کنند و گرایش اکونومیستی - سندیکالیستی را بدلیل آن قرار دهند. بحث بر سر این نکته است که آیا طبقه کارگر خود بخود به آگاهی طبقاتی دست مییابد، یا باید آگاهی سوسیالیستی را به درون طبقه کارگر برد. طرفداران سوسیالیسم علمی میگویند، برغم اینکه طبقه کارگر بطور غریزی به سوسیالیسم گرایش دارد و اصولا خود مبارزه طبقاتی کارگران این گرایش به سوسیالیسم را تقویت میکند، مهذا طبقه کارگر خود بخود نمیتواند به آگاهی طبقاتی دست یابد. جنبش خودبخودی کارگری هیچگاه از محدوده تردیونیم سیاست بورژوائی فراتر نرفته است. اینکه طبقه کارگر نمیتواند خودبخود به آگاهی طبقاتی سوسیالیستی دست یابد، باین علت است که ایدئولوژی در دسترس آن همانا ایدئولوژی مسلط بورژوائی است، که کارگران هر لحظه با آن مبارز میشوند، و قدرت آن تابدان حداست که مداوما باشکال مختلف آگاهی طبقاتی کارگران را زایل میسازد. کسی که به تاریخ جنبش بین المللی کارگری نظری بیافکند، به سادگی میتواند معنای این گفتار را دریابد. لذا یکی از وظائف کمونیستها، کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود اینست که با ایدئولوژی بورژوائی مقابله کنند و آگاهی طبقاتی را به درون کارگران ببرند. رفقا گویا متوجه نیستند که سوسیالیسم علم است و علم را باید فراگرفت. درست است که این علم به این علت که بیانگر اهداف، خواستها، آمال و آرزوهای کارگران است، سریعا از طرف کارگران جذب و درک میگردد، اما بهرحال با فراگرفتن آن، با مطالعه آن. بنابراین، اینکه باید آگاهی طبقاتی را به درون کارگران برد، و با سوسیالیسم باید بعنوان یک علم برخورد نمود و آنرا فراگرفت، برخلاف ادعای رفقا، نافی اعتماد واعتقاد به ابتکارات و قدرت خود کارگران نیست. بالعکس کسی که میگوید، کارگران خودبخود به آگاهی طبقاتی دست مییابند، یعنی به یک کارگر سوسیالیست و آگاه تبدیل میشوند، و نیازی نیست که کارگران سوسیالیسم را بعنوان یک علم بیاموزند، نیازی نیست که آگاهی طبقاتی به درون کارگران برده شود، در عمل مبلغ اسارت

در شماره ۱۲۹ " راه کارگر " اسناد کنگره دوم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) انتشار یافته است. این اسناد نشان میدهند که در مواضع و خط مشی این سازمان تغییر چندانی صورت نگرفته و روال سابق ادامه خواهد داشت. همچنین اسناد حاکی از آن است که تعدادی از نیروهای این سازمان که پیش از این بعنوان اقلیت درون راه کارگر شناخته شده بودند، جدائی خود را از این سازمان اعلام کرده اند. اما مهمترین رویداد کنگره دوم راه کارگر که شاید بتوان آنرا دست آورد کنگره نام نهاد، اعلام موجودیت " فراکسیون کارگران کمونیست سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) " است که با ارانه یک پلاتفرم، مواضع رادیکال کمونیستی اتخاذ نموده است.

پلاتفرم اعلام میکند که " رهائی طبقه کارگر تنها بدست خودش و از طریق عمل مستقیم و آگاهانه وی امکانپذیر است. "

هرگاه پذیرش این اصل نخواهد به یک حرف خشک و خالی تبدیل شود، باید از طریق پذیرش انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا تکمیل گردد. پلاتفرم این حقیقت را نیز پذیرفته و ادامه میدهد که " این امر تنها از طریق یک انقلاب کارگری (سوسیالیستی) عملی میگردد. دیکتاتوری پرولتاریا (دمکراسی کارگری) دولتی است که جامعه در حال انتقال به کمونیسم را هدایت میکند. " این مواضع کاملا از مواضع رسمی راه کارگر متمایز است که دیکتاتوری پرولتاریا را نمیپذیرد، با هزار توجیه وتفسیر آنرا از برنامه کنار گذاشته و سوسیالیسم اش را هم " اراده مشترک " همه " زنان و مردان تمام ملیتهای ایران " میسازد. در این پلاتفرم صریح و روشن بر مسئله درهم شکستن دستگاه دولتی بورژوائی، حاکمیت طبقه کارگر از طریق شوراها و ارگانهای منتخب کارگری، الغاء مالکیت خصوصی، اجتماعی کردن وسائل تولید، رفع استثمار و لغو کارمزدی تاکید شده است. همچنین برنقشی که کارگران باید به لحاظ کمی و کیفی در حزب طبقاتی خود داشته باشند، ایضا بر اترناسیونالیم پرولتری و اینکه مبارزه طبقه کارگر جهانی است و پیروزی نهائی آن در مقیاس بین المللی بدست می آید، تاکید شده است. همه این مواضع در خطوط کلی خود بیانگر مواضع رادیکال و کمونیستی، این جریان است. اما پلاتفرم از مسائلی نیز صحبت میکند که مسائلی قابل بحث و خام اند. از این نمونه است، این اظهار نظر که طبقه کارگر لزوما یک حزب ندارد. یعنی چه؟ اصلا معنای حزب بطور کلی، و حزب کمونیست بطور خاص چیست؟ کسی که از تعدد احزاب کارگری دفاع میکند، ومثلا احزاب سوسیال - دمکرات را هم حزب طبقه کارگر میداند، باید ابتدا تعاریف جدیدی از حزب بطور کلی، حزب کمونیست و طبقه کارگر ارانه دهد و آنگاه حکم صادر کند. شما ابتدا ثابت کنید که مثلا احزاب سوسیال - دمکرات، احزاب خیانت به طبقه کارگر نیستند و حزب طبقه کارگراند. اگر می بینیم احزاب مختلف بورژوائی وجود دارند، علت وجودی آنها مقدم بر هر چیز در اینست که بورژوازی گذشته از منافع واحد و مشترکش، در درون خود با تضاد منافع روبروست، آیا طبقه کارگر هم در درون خود با این تضاد منافع روبروست و کشمکش بر سر اینکه چه کسی بیشتر برود و چه کسی کمتر در جریان است؟

اگر پاسخ رفقا آری باشد میتوانند از تعدد احزاب پرولتری و اینکه این احزاب، احزاب قشرها، لایه ها و جناحهای مختلف طبقه کارگراند، دفاع کنند، نه تنها از تعدد احزاب کارگری بلکه از تعدد اتحادیه ها بحسب منافع مختلف دفاع کنند، وبعدا هم که خوب نگاه کنند چیزی از منافع و اهداف مشترک طبقه کارگر باقی نمی ماند و اراده مشترکی هم نمی تواند داشته باشد. رفقا خود را مدافع حزب کارگران کمونیست معرفی میکنند، روشن است که یک چنین حزبی باید برنامه ای کمونیستی داشته باشد یعنی بیانگر اهداف، خواستها و منافع پرولتاریا باشد. واقعا مفهوم نیست که چگونه کارگرانی که دارای آرمانها، اهداف و منافع و خواستهای مشترک اند، میخواهند در چند حزب برای پیشبرد آنها متشکل شوند؟ از این گذشته پلاتفرم از ایجاد یک

ابدال های محمدرضا شاه باقی نگذاشته است. مقاله کوتاه جناب سلطنت طلب آقای محمد ارسنی نیز نه فقط بطرز آشکاری این خصوصیت را تصویر نموده است بلکه به سخیف ترین شکل ممکن تمامی جنایات حکومت اسلامی در کردستان را نیز توجیه نموده، سرکوب و کشتار مردم کردستان را به گردن مردم مبارز کردستان، حزب دمکرات کردستان ایران و دیگر نیروهای درگیر در این مبارزه انداخته و خلاصه آنکه با تردستی خاصی، جمله هم طبقه ایهای خویش در رژیم حاکم رانیز از زیر ضرب خارج ساخته است. برای پی بردن به عمق ردالت و نیات برتری طلبانه حضرات سلطنت طلب چاره ای نیست جز آنکه به سخنان خود آنها مراجعه کنیم.

ارتجاع سلطنتی در خدمت ارتجاع اسلامی

کیهان لندن ضمن اشاره به درگیریهای مسلحانه و گسترش یابنده اخیر حزب دمکرات کردستان ایران با ارتش و سپاه پاسداران، شدیداً نسبت به این مساله ابراز نگرانی کرده چنین اظهار میکند که مبارزه مسلحانه مردم کردستان در طی ۱۷ سال زیانهای جانی و مالی عظیمی ببار آورده است. آنگاه از حزب دمکرات میخواند بجای پافشاری بر مبارزه مسلحانه، به مبارزه در عرصه سیاسی و فرهنگی روی آورد. مینویسد " حال سخن با حزب دمکرات و جناح آگاه و ایران خواه این تشکیلات است که تا کجا و کی به بهانه سرکوبگرها و دیکتاتوری فقهای حاکم (رئیس حاکم!) میخوانند برخط مشی مسلحانه پای بشارند. . . " اتاکیدها و پیرانترها همه جا از ماست! نامبرده سپس با ارائه یک " تحلیل " باصطلاح تاریخی و ذکر این موضوع که مبارزه مسلحانه یکی از خصوصیات مبارزات کردها بوده است، درست همین خصوصیت را نقطه ضعف این جنبش به شمار آورده و چنین نتیجه گیری میکند که همین مسلحانه بودن مبارزه، عمده ترین مانع پیروزی کردها بوده است. چرا؟! " زیرا به محض گسترش مبارزه مسلحانه در کردستان، جناحهای تندرو و سرکوبگر حکومت های مرکزی نیز سر برآورده اند و بهانه ایجاد آرامش و امنیت بادست باز و خیال راحت هرگونه آزادیهای سیاسی و فرهنگی رانیز نابود کرده اند " وبعد هم برای اثبات این ادعا سوای تعمیم این مساله به مبارزات خلق کرد در ترکیه و عراق، در مورد ایران میگوید " در ایران نیز قدرت یابی حزب جمهوری اسلامی و شکل گیری سریع و گسترده سپاه پاسداران و نیروهای سرکوبگر رژیم فقهائی با آشوبهای مسلحانه کردستان رابطه تنگاتنگ دارد " ! و نه فقط رابطه تنگاتنگ دارد بلکه " با قاطعیت میتوان گفت که اگر حرکت های مسلحانه در کردستان نمیبود، انحصار طلبان و سپاه پاسداران (از ارتش محبوب سلطنت طلبان خبری نیست!) آنگونه که با سرعت قدرتمندانه توانا مسلط شد، نمیتوانست بشود. "

طبق سخنان این آقای سلطنت طلب، مردم کردستان و سازمانهای درگیر مبارزه در این منطقه با مبارزه مسلحانه خود، سوای آنکه خسارات مالی و جانی عظیمی ببار آورده اند، به " بهانه " سرکوبگرهای رژیم به این مبارزه ادامه داده و همین مساله موجب سرکار آمدن جناحهای تندرو در حکومت مرکزی شده که آزادیهای سیاسی را نیز نابود کرده اند. نمونه آن هم قدرت گیری حزب جمهوری اسلامی و انحصار طلبان و سپاه پاسداران است و اگر بجای مبارزه مسلحانه در کردستان از روشهای سیاسی استفاده میشد، قطعاً رژیم هم و یابیه زعم آقای سلطنت طلب، انحصار طلبان هم نمیتوانستند مسلط بشوند! ملاحظه میکنید که حضرات سلطنت طلب چقدر دم درآورده و چقدر پر رو و وقیح اند! و چگونه مسائل وارونه جلوه داده شده و با چه داناتی مردم کردستان و نیروهای انقلابی و مبارز درگیر در مبارزات کردستان، مسبب نابودی آزادیهای سیاسی شناخته شده اند؟

خیر جناب سلطنت طلب! شما صاف و ساده دروغ میگویند! اولاً شما بالاخره روشن نکرده اید که چرا مبارزه مسلحانه یکی از خصوصیات مبارزه مردم کردستان بوده است! اینک مبارزات ملی، منجمله مبارزه مردم کردستان شکل مسلحانه بخود گرفته است دلائل مختلفی دارد که یکی از مهمترین آنها همانا این مساله است که مبارزات مسالمت آمیز مردم زحمتکش این منطقه جهت رفع ستم ملی، همواره بازور و سرنیزه پاسخ داده شده است.

ایدئولوژیک - سیاسی کارگرانند. آیا اکونومیستها، سندیکالیستها و آنارکوسندیکالیستها با همین ادعاها طبقه کارگر را در چارچوب نظم موجود به بند نکشیدند؟ بانظری که در پلاتفرم ارائه شده، بالعکس این جریانات اکونومیست - سندیکالیست و آنارکوسندیکالیست اند که به ابتکارات و قدرت کارگران اعتقاد و اعتماد دارند، و حال آنکه طرفداران سوسیالیسم علمی از بنیانگذاران آن گرفته تا احزاب کمونیستی که شکل گرفته اند، همه بی اعتقاد و بی اعتماد به ابتکارات و قدرت کارگران اند. خوب است رفاقا به همین دور و بر خود نگاه کنند و ببینند در قلب جهان سرمایه داری چگونه کارگرانی که آگاهی طبقاتی شان زائل شده است، تحت رهبری بوروکراسی اتحادیه ای از محدوده تردیونیسیم رفرمیستی فراتر نمیروند، چگونه بخش اعظم همین کارگران از احزاب سوسیال - دمکرات که چیز دیگری جز احزاب بورژوا - لیبرال نیستند و یا در بهترین حالت از احزاب ریویزیونیست حمایت میکنند و کلام آخر اینکه اگر نیازی به بردن آگاهی در میان کارگران نیست، اگر با سوسیالیسم نمی باید بعنوان یک علم برخورد کرد، یعنی اگر کارگران خودبخود آگاه میشوند، و جنبش خودبخودی کارگری خودبخود به جنبش کارگران آگاه سوسیالیست تبدیل میگردد، تردیدی وجود نخواهد داشت که خودبخود نیز متشکل میگرددند، یا هم اکنون شده اند، در این صورت چرا شما در پی ایجاد حزب کمونیست هستید و این حزب وظیفه و رسالت اش کدام است؟ با این دیدگاه بهتر است، دیگر نامی هم از حزب کمونیست برده نشود.

بهر حال برغم این گرایشات اکونومیستی - سندیکالیستی، جوهر پلاتفرم، کمونیستی و رادیکال است، انحرافات پلاتفرم در حد گرایشاتی است که جوهر انقلابی کمونیستی پلاتفرم رانفی نمی کنند. باید امیدوار بود که رفقای " فراکسیون کارگران کمونیست سازمان کارگران انقلابی ایران"، همانگونه که لاقول در تنوری گسست خود را از ساتنریسم سوسیال - رفرمیستی اعلام کرده اند، با انحرافات اکونومیستی و سندیکالیستی نیز برخورد کنند.

★ مبارزه مسلحانه و نظر گاه یک شوونیست

" حزب دمکرات کردستان ایران و مبارزه مسلحانه " عنوان مقاله ایست بقلم آقای محمد ارسنی که در شماره ۵۷۷ کیهان چاپ لندن ۲۰ مهر ۷۴ بچاپ رسیده است. این مقاله اگر چه به لحاظ آنچه که درضدیت با خلق کرد و بطور کلی درضدیت با حق ملل در تعیین سرنوشت شان بیان کرده، مطلقاً مقاله تازه و یا منحصر بفردی نیست که در ارگان سلطنت طلبان بچاپ میرسد، اما نمونه بسیار گویانسیست که یکبار دیگر موضع بورژوازی سلطنت طلب را در قبال مساله ملی و جنبش خلق کرد به شکل کاملاً واضحی به نمایش میگذارد. گستاخی نویسنده مقاله نسبت به مردم کردستان و مبارزه انقلابی آنها و لحن غلیظ شوونیستی آن، آنقدر عیان است که هرکس آنرا مطالعه کرده باشد، ولو هیچگونه شناختی از رژیم سلطنت و گردانندگان کیهان چاپ لندن هم نداشته باشد، به سادگی و فوریت، به عمق مخالفت این دارودسته با جنبش های مردمی و ضدیتشان نسبت به برابری حقوق ملیتها پی خواهد برد. بورژوازی ایران (منجمله بورژوازی از نوع سلطنت طلب آن) که به وحشیانه ترین شکل ممکن کارگران را استثمار میکند و پاسدار ریشه ای ترین نا برابریهای اقتصادی و تبعیضات اجتماعی است البته نمیتواند نافی برابری حقوقی ملیتها نباشد و نبوده است. اگر که سرکوب مبارزه ملل مختلف ایران و ضدیت با حق آنها در تعیین سرنوشت خودشان، برجسته ترین خصوصیت بورژوازی سلطنت طلب نباشد، دست کم یکی از بدیهی ترین و برجسته ترین خصائل و خصوصیات آن هست. مبارزات چندین ساله خلقهای تحت ستم ایران و بویژه مبارزه حق طلبانه خلق کرد، که کارا مهر تجزیه طلبی بر آن کوبیده شده و به بهانه " حفظ تمامیت ارضی" به خشن ترین شیوه ها سرکوب شده است، کمترین تردیدی در این خصوصیت بورژوازی و کوچک

عنوان وبهانه ای حکومت اسلامی به این جنایات فجیع دست زد؟
خیر آقایان! سوراخ دعا را کم کرده اید، نظام سلطنت و حکومت اسلامی هردو پاسدار منافع سرمایه داران بوده اند، هردو کارگران وزحمتکشان را استثمار و غارت کرده اند، هردو مدافع سرسخت امتیازات طبقاتی و ملی بوده اند و هردو ملل مختلف ایران و بویژه ملت کرد را وحشیانه سرکوب کرده اند " دموکراسی " و " آزادیهای سیاسی " در این نظامها نیز چیزی جز سرکوب کارگران وزحمتکشان همه ملل و محرومیت آنها از آزادیهای سیاسی نبوده است. بنابراین ماهیت ارتجاعی و سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی همچون رژیم شاهنشاهی برهنگان روشن است و با هیچ دروغ و یوايه ای نمیتوان بر آن پرده افکند.

تضاد « دموکراسی » و حق ملل

مساله اما فقط به این موضوع ختم نمیشود که آقای ارسلی - سلطنت طلب از فرط ضدیت با جنبش انقلابی خلق کرد و بخاطر " آزادیهای سیاسی " و " دموکراسی " مورد نظر خود که اساسا در وجود همان تاج و تخت سلطنتی و حزب رستاخیز تبلور مینماید، قضایا را وارونه کرده و سیاستهای سرکوبگرانه ارتجاع اسلامی را توجیه مینماید. درد آقای ارسلی - سلطنت طلب فقط مبارزه مسلحانه مردم کردستان ایران و حزب دمکرات نیست. درد این آقا اینهم هست که بالاخره این مردمی که اسلحه بدست گرفته و چندین سال است مبارزه میکنند، مطالباتی هم دارند. مطالبات مردم کردستان، یعنی انگیزه اصلی مبارزه مردم کردستان، این همان نکته ای است که آقای ارسلی بکلی در مورد آن خاموشی گزیده است. مقاله ایشان که يك ستون کیهان چاپ لندن را بخود اختصاص داده گرچه کلامی در این مورد نگفته است اما در عوض چندین بار (پنج بار) بر " تمامیت ارضی ایران " و " حفظ تمامیت ارضی " تاکید ورزیده است و در یکجا ایشان فرموده اند که مبارزه مسلحانه مردم کردستان نه فقط با " تاسیس دموکراسی و تمامیت ارضی در تضاد قرار دارد "، بلکه بجای حل مشکل بر عمق و گستره آن نیز میتواند بیفزاید " چرا ؟ " زیرا درگیری با ارتش و نیروهای مسلحی که حافظ تمامیت ارضی کشورند مبارزه را از صورت داخلی بیرون می آورد و به پیکار بیگانه با خودی تبدیل میکند . "

" حفظ تمامیت ارضی " ! این همان شعار مرکزی بورژوازی ملل ستمگر و سلاح قدیمی و زنگ زده ای است که همواره از جانب انواع بورژواها و شوونیستها در برابر حق ملل تحت ستم علم شده و میشود و صد البته که مختص بورژوازی سلطنت طلب هم نیست. جنبشهای ملی در سرتاسر جهان مکرر در مکرر به بهانه های تجزیه طلبی و غیر " خودی "، عینا تحت همین عنوان " حفظ تمامیت ارضی " توسط دولتهای بورژوازی مرکزی سرکوب شده اند. حکومت اسلامی نیز هم اکنون درست به همین بهانه ها و به بهانه حفظ تمامیت ارضی ایران اسلامی به ایلغار و کشتار در کردستان مشغول است و مردم مبارز کردستان رانیز در عداد " بیگانگان " میگذارد. جالب اینجاست که آقای ارسلی - سلطنت طلب این موضوعات را در مورد حزب و مردمی میگوید که بارها و بارها از جانب آنها عنوان شده که میخواهند در چارچوب جغرافیائی ایران بعنوان کشوری واحد بمانند و قصد جدائی و امثال آنها ندارند. حال آنکه ولو چنین خواستی هم می داشتند و یا داشته باشند، این حق مسلم آنهاست. این حق را البته میتوان با زور و قلدری تضییق نمود و از امتیازات بورژوازی ملت ستمگر حراست کرد ولی هیچکس نمیتواند این حق را از مردم کرد بگیرد. ملت کرد بدون هیچ بربرگردی حق دارد خود تصمیم بگیرد و اراده کند به اینکه آیا در چارچوب کشور ایران بماند و یا از ایران جدا شده و يك کشور و دولت مستقلی تشکیل دهد. این مساله تماما در گرو اراده ملت کرد است. حال اگر مردم کردستان فرضا بخواهند دولت مستقلی تشکیل دهند، کجای آن با دموکراسی در تضاد است ؟ شما از کدام دموکراسی صحبت میکنید ؟ آیا گردن گذاشتن به اراده يك جمعیت چند میلیونی با دموکراسی در تضاد است و یا بی توجهی به این اراده و بطریق اولی نقض این

حکومت ها و دولتهای ارتجاعی مرکزی هیچگاه در برابر مطالبات خلقها روی پوش نشان نداده و برابر حقوقی آنها را هرگز به رسمیت نشناخته اند. العکس هر زمان که خواسته اند گامی در راستای تحقق مطالبات خود بردارند و در تعیین سرنوشت سیاسی خود مداخله کنند به خشن ترین اشکال سرکوب شده اند. کردستان و آذربایجان نمونه های متعددی از این واقعیات تلخ را در سینه خود نهفته دارند و مردم آنها فراموش نساخته اند. مگر پنجاه سال پیش به خواست فرقه دمکرات آذربایجان مبنی بر خود مختاری و تشکیل مجلس ملی که نه با زور اسلحه، بلکه از طریق تلگراف به حکومت مرکزی و برای جلب رضایت آن مطرح شده بود شاه و اعوان انصارش وقعی نهادند؟ مگر مردم آذربایجان و کردستان بجرم آنکه میخواستند خودشان آزادانه در مورد خودشان تصمیم بگیرند، بیرحمانه سرکوب نشدند. مگر مردم عملیات ددمنشانه قوام السلطنه نخست وزیر وقت و ارتش شاه را فراموش کرده اند؟ مگر در تبریز و مهاباد هزاران نفر از مردم از دم تیغ نگذشتند؟ کدام حکومت مرکزی در ایران حق ملیتها را در تعیین سرنوشت سیاسی خودشان به رسمیت شناخته است ؟ مگر همین حکومت اسلامی، حق ملل بماند، آراء بخش وسیعی از مردم کردستان را که میخواستند نمایندگی ای در مجلس داشته باشند به رسمیت شناخت؟ و مگر همین مردم بارها و بارها از طرف این رژیم کشتار و سرکوب نشده اند؟ بله آقای سلطنت طلب مردم کردستان دیکتاتوری شاهنشاهی و سرکوبگری حکومت اسلامی، هردو را دیده اند و جز زور و قلدری و ستم چیز بیشتری از آن ندیده اند و البته که این مجموعه شرایط و تجارب آنهاست که مبارزه مسلحانه را ممتد یکی از اشکال مبارزه در دستور کار آنها قرار داده است. چگونه میتوان ماهیت ارتجاعی و سرکوبگرانه این رژیم ها را به بهانه مبارزه مسلحانه در کردستان پوشاند و تسلط حکومت اسلامی را به گردن مردم کردستان و نیروهای مبارز و انقلابی انداخت ؟

جناب آقای سلطنت طلب که جنبش انقلابی خلق کرد را " آشوبهای مسلحانه " مینامد که گویا موجب قدرت گیری حزب جمهوری اسلامی و جناح های تندرو و انحصار طلبان شده است، ممکن است بفرماید جناحهای غیر تندرو و غیر انحصار طلب مورد نظرایشان کدام بوده است؟ ایشان اگر چه وارد این قضیه نمیشوند اما همگان میدانند که در میان جناحهای حکومتی در مقطع قدرت گیری حزب جمهوری اسلامی، طرفداران آقای بنی صدر ایستاده بودند. آقای ارسلی که از این قرارداد آن مقطع هنوز طرفدار آقای بنی صدر بوده و از این مساله که چرا انحصار طلبان و فقها و پاسداران سهمی هم به آقای بنی صدر و طرفداران ایشان نداده اند، تا ایشان " آنگونه " مسلط شوند، آشکارا ناراحت است، این چه ربطی به مردم کردستان دارد؟ وانگهی مگر مردم کردستان فراموش کرده اند که بنی صدر دستور داد ارتش محبوب آقای ارسلی تا سرکوب قطعی و نهائی مبارزه در کردستان نباید چکمه های خود را از پای در آورد؟ اگر ارتش شاهنشاهی و فرماندهی بنی صدر پاسدار آزادی سیاسی برای شما بوده است اینها چه ربطی به مردم کردستان دارد؟ توپ و خمپاره شلیک شده از سوی رژیم در حال برسر مردم کردستان فرود می آید آنها راتکه پاره میکند و خانه هایشان را به تلی از خاکستر مبدل میسازد. خمینی یا خامنه ای، بنی صدر یا شاهنشاه اریامهر و یا هر جنایتکار رذل دیگری که دستور شلیک آنها داده باشد، ارتش، سپاه و یا هزارگان سرکوب دیگری که آنها شلیک کرده باشد این چه فرقی بحال مردم کردستان دارد؟ از همه اینها گذشته، اگر در کردستان مبارزه مسلحانه صورت میگیرد و به زعم شما آقای سلطنت طلب بهانه بدست فقها میدهد، در کارخانه ها و دانشگاهها و امثال آن که دیگر از مبارزه خبری نیست ! در شوراها و تشکلهای کارگری که صحبتی از مبارزه پارتیزانی در میان نیست ! مردم مشهد و اراک و شیراز و اسلام شهر که پیشمرگه حزب دمکرات نبودند! ممکن است حضرات سلطنت طلب بگویند که چرا و تحت چه " بهانه " اینها سرکوب شده و هزاران کارگر آگاه و روشنفکر انقلابی به حبس و زندان افتاده و کشته شدند؟ هزاران زندانی سیاسی که قتل عام شدند آقای سلطنت طلب ! اینها که دیگر در زندانهای اوین و قزل حصار و گوهردشت و غیره امکان مبارزه مسلحانه نداشتند؟ چگونه و تحت چه

اطلاعیه های مشترک

تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران سرآغاز مرحله ای جدید در جنبش دانشجویی

چهارشنبه ۱۹ مهر ماه دانشگاه تهران صحنه تظاهرات گسترده ای بود. این حرکت وسیع اعتراضی بدنیاال پورش انصار حزب الله به یک جلسه سخنرانی صورت گرفت، که به سرعت به تقابل دانشجویان ورودرونی مستقیم آنها با حکومت دستگاه سرکوب انجامید. ابعاد این حرکت که از اجتماع کنندگان در جلسه شروع شده بود، با شرکت گروه کثیری از سایر دانشجویان چنان گسترش یافت که اوباش حمله کننده را علیرغم آنکه از طرف نیروهای سپاه و کمیته حمایت می شدند، وادار به عقب نشینی نمود. شعار مرگ برفاشیزم تظاهرکنندگان نشانگر حمله آشکار آنها به حکومت و موضعگیری اکثر نهادهای اصلی جمهوری اسلامی و جنگ و دندان نشان دادن آنها بیانگر هراس بیش از پیش آنها از تداوم این حرکات میباشد. بدنیاال این تظاهرات اکثر مسئولین و ارگانهای حکومت خواستار اعمال سیاستهای خشن تر علیه دانشجویان شده و تمامی روزنامه های رسمی آن نسبت به عواقب این گونه اعتراضات هشدار داده و خواهان دخالت بیشتر ارتش و سپاه در هرگونه تظاهرات شدند. مجلس رژیم نیز در جلسه علنی یکشنبه گذشته خود طرح لایحه ای بتصویب رساند که طی هفت ماده خواهان مقابله با حرکت « ضد امنیتی » میشود.

این واکنشها که نشانگر موقعیت لرزان رژیم، تضعیف بیش از پیش پایه های آن و هراس از توسعه حرکات اعتراضی توده هاست، بیانگر این واقعیت نیز هست که حکام جمهوری اسلامی کوچکترین ظرفیتی جهت تحمل صدای مخالف، آنجا که بخواهد شکل سیاسی بخود گرفته و در قالب تجمع ویا تشکلی ابراز شود، ولو از طرف نزدیکترین نیرو بخود ویا منتقدین درونی رژیم آغاز شده باشد، را نداشته و تنها پاسخ آن به هرگونه ندای حق طلبانه و آزادیخواهانه، سرکوب و کشتار است.

۳۰ مهرماه ۱۳۷۴

حزب دمکرات کردستان ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق - ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

موج دستگیریها در کردستان ایران ادامه دارد

بنابر اطلاعیه مطبوعاتی دهم اکتبر دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در خارج از کشور ۲۶ نفر از اهالی ارومیه و سلماط طی دومه اخیر به اتهام هواداری از این حزب دستگیر و زندانی شدند. ما در چارچوب دفاع از حق دمکراتیک ملل برای تعیین سرنوشت خود و دفاع از آزادی احزاب و فعالیتهای سیاسی، بازداشت این عده را توسط رژیم جمهوری اسلامی محکوم میکنیم و با توجه به اطلاعیه های اخیر حزب دمکرات کردستان ایران مبنی بر اعدام ده تن از هواداران آن حزب و تشدید سرکوبگری رژیم در کردستان ایران، نگرانی شدید خود را از سرنوشتی که در انتظار این دستگیر شدگان است، اعلام و از همه مجامع بین المللی، سازمان عفو بین الملل، نهادها و شخصیت های مدافع حقوق بشر میخواهیم رژیم جمهوری اسلامی را برای آزادی بی قید و شرط این زندانیان تحت فشار قرار دهند.

۱۹ مهر ۱۳۷۴

سازمان اتحاد فدائیان خلق - ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

اراده؟ و بعد هم سرکوب و کشتار این مردم برای « حفظ » قهری یک ملت ستمدیده در چارچوب مرزهای دولت مرکزی و « تمامیت ارضی »؟ این چه نوع دمکراسی است که به مردم اجازه نیندهد خود تصمیم بگیرند و آنطور که خود مایلند فکر و زندگی کنند؟ البته « دمکراسی » آقایان سلطنت طلب، دمکراسی شناخته شده و از جنس همان دمکراسی حکومت اسلامی است. این همان منارشی آریامهری و همان سرنیزه و اختناق اسلامی و دریدک کلام دیکتاتوری بورژوازی است.

آقای ارسلی - سلطنت طلب نه فقط نمونه ای از دمکراسی شناخته شده اما عجالتا «تاسیس» نشده اش را که البته هم اکنون نیز در لباس اسلامی اش پیاده میشود به رخ مردم کردستان میکشد، شمشیر از روسته و آنان را به قتل و سرکوب تهدید میکند، بلکه یکباردیگر بر تمام جنایات حکومت اسلامی در کردستان مهر تایید کوبیده و آنرا «دمکراسی» میخواند. او مینویسد « در رابطه با دمکراسی نیز تا زمانی که مبارزه مسلحانه حزب دمکرات و گروههای افراطی دیگر ادامه یابد، رژیم اسلامی هم سیاست سرکوب و کشتار و حبس و تبعید را با قاطعیت و بیرحمی پیگیری خواهد کرد! این یعنی چه؟ این یعنی اینکه یا مردم کردستان و نیروهای انقلابی و مبارز بایستی دست از مطالبات خویش برداشته و به مبارزه مسلحانه خود جهت رفع ستم ملی پایان دهند، یا اینکه رژیم اسلامی آنها را سرکوب میکند و بایستی هم بکند! یا تسلیم شوید و سلاحهای خود را بر زمین بگذارید و یا « ارتش و نیروهای مسلح » « قاطعیت و بیرحمی » شما را سرکوب و کشتار میکند! همانطور که ملاحظه میکنید در اینجا نیز به انتها درجه به رژیم اسلامی خدمتگذاری شده و قضایا دقیقاً از زاویه منافع بورژوازی مطرح شده است. مساله اما به این صورت نیست. مساله اینست که این حکومت اسلامیست که در وهله نخست حقوق ملت کرد را به رسمیت نشناخته و آنرا سرکوب میکند. این حکومت اسلامیست که از شدیدترین تبعیضات ملی، قومی و مذهبی پاسداری میکند، این حکومت اسلامیست که مزدوران مسلح خود را کرور کرور برای کشتار مردم کردستان به این منطقه اعزام میکند. معادله در واقع امر باین صورت است که تا سرکوب مردم کردستان وجود داشته باشد، تا تبعیض و ستم ملی وجود داشته باشد، مبارزه برای از میان برداشتن این ستم و تبعیض و دفاع در برابر نیروهای سرکوبگر هم وجود دارد. از دیدگاه یک سلطنت طلب البته نه این معادله، که عکس آن صادق است و از گفتن آن ابائی ندارد ولو آنکه به قیمت جانبداری آشکار از حکومت اسلامی و میرا جلوه دادن آن از هرگونه خبط و خطائی تمام شود. آقای ارسلی - سلطنت طلب البته در ضمن حملات و تهدیدهای مکرر و ناسزاگویی به مردم و نیروهای انقلابی و مبارز کردستان، از « گامهای مثبت » حزب دمکرات کردستان اظهار خوشحالی کرده و مینویسد « حزب دمکرات کردستان ایران در جهت پذیرش تمامیت ارضی ایران و گسترش دمکراسی درونی و ارتباط با نیروهای ملی و سراسری ایران گامهای مثبتی برداشته اما در زمینه مبارزه مسلحانه و... برخورد مسئولانه ای نکرده است » و بعد هم خطاب به « جناح آگاه و ایران خواه » حزب دمکرات از آنان میخواهد که مبارزه مسلحانه را نیز کنار نهاده و از این طریق پایبندی خود به « اصول دمکراسی » را ثابت نمایند. حزب دمکرات یقیناً پاسنهای خویش برای این آقای سلطنت طلب را دارد و شاید تاکنون هم این پاسخها را داده باشد بهرحال این مساله ای است که قبل از هرکس به خود حزب دمکرات بر میگردد. اما این موضوع که حزب دمکرات چه « گام » هائی در جهت گسترش « ارتباط با نیروهای ملی و سراسری » برداشته و این نیروهای « ملی » و « سراسری » کی هستند و چه هویتی دارند که گسترش ارتباط با آنها از دیدگاه یک سلطنت طلب « مثبت » ارزیابی شده است، این نکته ای است که یقیناً نیروهای انقلابی نبایستی نمیتوانند نسبت بآن بی تفاوت باشند. نکته ای که از گفتن آن هرگز نباید خسته شد همانا تاکید بر این مساله است که مردم زحمتکش کردستان از سلطنت و حکومت اسلامی وای هر نیرو و داروسته دیگری که حقوق آنها را به رسمیت نشناخته و مدافع تبعیضات ملی و نژادی و قومی است متنفر و بیزارند حال ولو که این نیروها با نام « ملی » و « سراسری » خوانده شوند ویا لقب دیگری داشته باشند. به رسمیت شناختن حق ملت کرد در تعیین سرنوشت خویش، اینست آن شعار محوری که دوست و دشمن مردم زحمتکش کردستان را از هم تفکیک میکند. سازمان ما همواره از مبارزات انقلابی مردم کردستان علیه حکومت اسلامی حمایت کرده و میکند. سازمان ما حق ملل در تعیین سرنوشت خویش را به رسمیت شناخته ویا قاطعیت از آن دفاع میکند.

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست

اخبار کارگری جهان

در نتیجه حمله پلیس به تظاهرکنندگان، یک تن کشته و دهها نفر زخمی شدند.

آرژانتین: بدنبال تداوم اعتراضات کارگری در آرژانتین، در اواخر اکتبر، هزاران کارگر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها، دست به اعتصاب و راهپیمایی زدند. ۲۰۰ کارگر نیز همزمان به منزل مسکونی وزیر پیشین اقتصاد این کشور حمله نموده و خواهان دریافت هرچه سریعتر دستمزدهای معوقه گشتند.

بلژیک: روز ۲۶ اکتبر، کارگران و کارکنان راه آهن بلژیک در اعتراض به بیکارسازیها، دست بیک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند که در نتیجه آن رفت و آمد در بلژیک کاملاً مختل شد.

فرانسه: روز ۲۵ اکتبر، کارگران راه آهن دولتی فرانسه در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت فرانسه مبنی بر اخراج کارگران دست به اعتصاب زدند که در نتیجه این اعتصاب یکروزه کلیه قطارهای مسافری شهری و بین شهری از حرکت باز ایستادند.

طبق تصمیمات دولت فرانسه تا سال ۲۰۰۰، هزاران نفر از کارگران راه آهن دولتی اخراج خواهند شد.

انگلیس: روز ۲۱ اکتبر بیش از ۲۰ هزار از کارگران و کارکنان خدمات شهرداری متشکل در اتحادیه همصدا در اعتراض به فساد و رشوه خواری در دستگاه دولتی و بیکارسازیها دست از کار کشیدند. بیکارسازیهای وسیع که قرار است از اواخر اکتبر بمورد اجرا درآید، به اعتصابات گسترده ای در شهرهای مختلف، دامن زده است.

■ مراسم یادبود قتل عام شدگان سال ۶۷ بمناسبت سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ مراسمی توسط " انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران " در پاریس برگزار شد. مراسم باید دقیقه سکوت بیاد جانباختگان قتل عام آغاز شد. یک زن زندانی سیاسی سابق خاطرات خود را از دوره اسارتش با عنوان گزارش زندان بیان نمود. پخش اسلاید، قرآنت بخشی از یک کتاب درباره زندان و اجرای موسیقی، بخش های دیگر برنامه بودند. در پایان، پیامهای رسیده قرآنت شد. در این مراسم حدود دویست تن شرکت نمودند.



ایتالیا: پس از ۶ هفته اعتصاب مامورین برجهای مراقبت فرودگاههای ایتالیا، مذاکرات نمایندگان دولت و اعتصابیون مجدداً در روز ۱۴ اکتبر به بن بست رسید و این اعتصاب که تمام ترافیک هوایی این کشور را فلج نموده بود، ادامه یافت. در همین حال روز ۱۳ اکتبر هزاران نفر از پرسنل خدمه پرواز خطوط هوایی ایتالیا در اعتراض به سیاست خصوصی سازی دست بیک اعتصاب یکروزه زدند.

روز ۱۱ اکتبر نیز رانندگان بخش حمل و نقل کارخانه اتومبیل سازی فیات در اعتراض به پائین بودن سطح دستمزدها دست به اعتصاب زدند و اعلام نمودند که تا تحقق خواسته خود مبنی بر افزایش ۳۰ درصد دستمزدها، به سرکار باز نخواهند گشت.

اوکراین: روز ۱۹ اکتبر هزاران نفر از کارگران اوکراین در شهر کیف در اعتراض به سیاست خصوصی سازی دولت، کاهش دستمزدها و افزایش بی رویه قیمتها دست از کار کشیده و بسوی ساختمان هیئت دولت این کشور راهپیمایی نمودند. این حرکت اعتراضی از وسیعترین حرکات کارگران علیه سیاست خصوصی سازی دولت اوکراین بود که از اول سال ۹۵ آغاز شده است. کنگره نمایندگان معدنچیان اوکراین ضمن ابراز همبستگی با خواسته های کارگران سایر بخشها، بدولت هشدار داد که در صورت عدم افزایش دستمزدها و کنترل افزایش قیمت کالاهای خصوصی، معدنچیان از هفته اول نوامبر دست به اعتصاب خواهند زد.

آلمان: روز ۲۷ اکتبر هزاران کارگر کارخانه هواپیماسازی Dasa در اعتراض به بیکارسازی ۸۸۰۰ تن، در شهرهای مختلف آلمان دست به اعتصاب زدند. در برمن ۲۷۰۰ تن، در مونیخ ۳۵۰۰ نفر، در Speyer قریب به ۱۵۰۰ کارگر و در Peisenberg بیش از ۳۰۰ کارگر کارخانجات Dasa دست از کار کشیدند و دست به راهپیمایی زدند.

دومینیکن: روز ۱۹ اکتبر هزاران تن از ساکنین مناطق کارگر نشین Zurza و Capotilla ضمن برپائی راهپیمایی، خواستار تعطیل ۱۲ کارخانه ای شدند که در مناطق مسکونی فوق با ایجاد آلودگی شدید، جان هزاران کارگر و خانواده های آنان را به مخاطره انداخته اند.

ترکیه: موج اعتصابات کارگری سراسر ترکیه را فراگرفته است. روز ۲۰ سپتامبر بیش از ۱۴۰ هزار نفر از کارگران بخش دولتی در ترکیه در پی به بن بست رسیدن مذاکرات مربوط به قراردادهای دسته جمعی بین نمایندگان اتحادیه کارگران با کارفرمایان دست بیک اعتصاب عمومی زدند. هزاران نفر از کارگران سایر بخشها از جمله راه آهن، کشتیرانی، کاغذ سازی، لاستیک سازی و ذوب آهن به جمع اعتصابیون پیوسته و بدین ترتیب تعداد اعتصابیون به ۳۲۵ هزار رسید.

پس از ۳۶ روز اعتصاب یکپارچه کارگران بخش خدمات دولتی در ترکیه، دولت ترکیه که در ابتدا تنها حاضر به افزایش دستمزدها به میزان ۵،۴ درصد بود، پس از مقاومت همه جانبه کارگران مجبور به عقب نشینی شد و افزایش دستمزدها بیزان ۳۵ درصد در سال ۹۵ و ۱۴ درصد در سال ۹۶ را پذیرفت.

فرانسه: روز ۱۰ اکتبر، ۵ میلیون نفر از کارگران و کارمندان بخش دولتی فرانسه در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت شیراک مبنی بر انجماد دستمزدها در سال ۹۶، دست از کار کشیده و در شهرهای مختلف دست به راهپیمایی زدند. تنها در پاریس قریب به صد هزار نفر در یک راهپیمایی بزرگ که طی ۱۰ سال گذشته بیسابقه بوده است شرکت کردند.

در نتیجه این اعتصاب عمومی، حمل و نقل شهری، راه آهن، خطوط هوایی، پست، کارخانه اتومبیل سازی رنو، شرکت مخابرات، برق و گاز و در یک کلام فرانسه بتعطیل کشانده شد. ۵ فدراسیون اتحادیه های کارگری به همراه ۲ اتحادیه کارگران بخش دولتی در این حرکت اعتراضی شرکت داشتند. اعتصابیون هشدار دادند تا عقب نشینی دولت شیراک، به حرکات اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

روسیه: روز ۱۲ اکتبر هزاران تن از معدنچیان منطقه کوزباس در سیبری در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها طی چند ماه اخیر، دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. طی همین روز، کارگران سایر شهرهای روسیه نیز در حمایت از معدنچیان اقدام به برپائی تظاهرات نمودند. از آغاز سال جاری با تشدید روند خصوصی سازی معادن سیبری، بیکاری رشد فزاینده ای در روسیه داشته است.

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری ۸

کودوین نیز یکی دیگر از سوسیالیستهای تخیلی انگلیس بود که شدیداً نظام سرمایه داری و دولت بورژوازی را مورد انتقاد قرار داد. او در طرح خود از استقرار جامعه ای نوین دفاع نمود که از مجموعه ای کمونهای کوچک تشکیل شده و حاصل اتحاد داوطلبانه تولید کنندگان است. برغم اینکه در طرح کودوین از اجتماعی شدن وسائل تولید سخن به میان نیامده بلکه این وسائل در مالکیت انفرادی باقی میمانند، مهذا وی معتقد بود که محصولات تولید شده در کمونها که با کار جمعی بدست آمده اند باید به حسب نیاز افراد عضو کمونها توزیع گردند.

رابرت اونن

اما برجسته ترین نماینده سوسیالیسم تخیلی انگلیس رابرت اونن بود. وی که مدیریت کارخانه ای را در اسکاتلند برعهده داشت، در آغاز بعنوان یک بشر دوست، تحت تاثیر وضعیت وخیم و غیر قابل تحمل کارگران قرار گرفت و خواستار اصلاحاتی در وضعیت کارگران گردید. اونن نیز همانند چارلز هال معتقد بود که رشد نیروهای مولده که وسائل رفاه، خوشبختی و روشننگری مردم را فراهم آورده است، در بریتانیا موجب فقر شده است. او میگوید: " دنیا اکنون از ثروت اشباع شده - هنوز امکانات پایان ناپذیر افزایش آن وجود دارند - با اینحال بینوانی بیداد میکند " و سائلی که به مردم، ثروت، روشننگری و خشنودی میبخشند وجود دارند، با اینحال توده عظیم مردم جهان در اعماق فقر و فقدان غذایی کافی بسر میبرند. اوضاع نمیتواند به همین صورت باقی بماند. این وضع باید دگرگون شود. " (۷۷) اونن، اقدامات خود را برای بهبود وضعیت مادی و معیشتی کارگران، در همان کارخانه ای که وی مدیریت آن را برعهده داشت آغاز نمود. ساعات کار را به ۱۰،۵ ساعت در روز کاهش داد. مسکن بهتری برای کارگران تهیه نمود و در دوران بحران از اخراج کارگران خودداری نمود. از آنجائیکه وی بر نقش آموزش و محیط در شکل دادن به شخصیت افراد تاکید داشت، کودکان کارخانه ای ایجاد نمود که فرزندان کارگران از دوسالگی به این کودکانها میرفتند و تحت آموزش قرار میگرفتند. اونن نشان داد که برغم این اقدامات، موسسه وی سود قابل ملاحظه ای نیز کسب کرده است. او میخواست از طریق این اقدامات، سرمایه داران را ترغیب کند که از نمونه وی پیروی نمایند. او تبلیغات وسیعی را برای ایجاد رفم در کارخانه ها آغاز نمود. از پارلمان درخواست کرد که یک قانون کار تصویب کند. ساعات کار را به ۱۰،۵ ساعت تقلیل دهد و کار کودکان کمتر از ده سال را قدغن سازد. در همین حال وی طرحی برای ایجاد دهکده هائی برای بیکاران ارائه داد. این دهکده ها می بایستی ماشین و زمین در اختیار داشته باشند و شامل ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر باشند. اونن چنین میپنداشت که از طریق این کمونهای تعاونی، اختلاف میان سرمایه دار و کارگر از میان میرود و فقر ملغا میگردد. اما نه حکومت پاسخ مثبتی به پیشنهادات اونن داد و نه سرمایه داران از اقدامات او پیروی کردند. با این وجود اونن مصر بود که از طریق تبلیغ و نمونه سازی آنها را متقاعد سازد. لذا شروع به ایجاد کلنی های کمونیستی در بریتانیا و آمریکای شمالی نمود. در ۱۸۲۵ به آمریکا رفت و با خرید ۲۰۰۰۰ جریب زمین در ایندیانا، کلنی تعاونی خود را در نیوهارمونی ایجاد نمود. در مناطق دیگر نیز حدود ۱۸ تا از این کلنی ها بوجود آمدند. (۷۸)

این طرح که از نظر اونن قرار بود به فقر و استثمار و نابرابری پایان بخشد با شکست کامل خاتمه یافت و جز این نیز نمیتوانست باشد. چرا که بقاء این جزایر باصطلاح کمونیستی در اقیانوس سرمایه داری ناممکن و تخیلی بود. با این شکست اونن باردیگر به انگلیس برگشت. در این هنگام جنبش کارگری انگلیس وسیعاً گسترش مییافت. اونن که از حمایت و کمک طبقات حاکمه مایوس شده بود، به سوی کارگران روی آورد و از این پس فعالیتهای عملی خود را بیش از پیش در ارتباط با طبقه کارگر قرار داد. او فعالیت خود را روی ایجاد تعاونی های تولید و توزیع کارگری متمرکز ساخت. گروهی از

پیدایش پرولتاریای صنعتی و انسجام پرولتاریا بصورت یک طبقه

۶- رشد خود آگاهی کارگران و تحول سوسیالیسم از تخیل به علم

پیدایش پرولتاریای صنعتی، رشد مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر در نیمه اول قرن نوزدهم و روی آوردی کارگران به اقدامات سیاسی مستقل، مرحله نوینی را در رشد خود آگاهی طبقاتی کارگران و تحول ایده های سوسیالیستی گشود.

پیش از این دیدیم که همراه با پیدایش و توسعه شیوه تولید سرمایه داری، ایده های سوسیالیستی تساوی طلبانه ای که انعکاس اعتراض و مبارزه علیه ستم و استثمار و بیابانگر خواستهای مبهم تساوی طلبانه کارگران و تهیدستان در مراحل نطفه ای شکل گیری طبقه کارگر بودند، آغاز به پیدایش نمودند.

با انقلاب صنعتی و تشدید استثمار و فقر و فلاکت توده های کارگر، تضاد طبقاتی میان کارگران و سرمایه داران تشدید گردید و اعتراض و مبارزه علیه نظم موجود گسترش یافت. به موازات این تحولات عینی، از اوائل قرن نوزدهم، ایده های سوسیالیستی و سیما رواج مییابد و تعدادی از متفکرین برجسته به طرح و اشاعه نظرات سوسیالیستی می پردازند که به نحوی بازتاب اعتراض و مبارزه کارگران علیه نظم موجود و خواستها و آرزوهای آنها بود. هرچند که این ایده های سوسیالیستی در آن مرحله هنوز تمایزی کیفی از ایده های سوسیالیستی پیشین نداشتند و جنبه تخیلی داشتند، مهذا ایده های فوق العاده ارزشمند نوینی نیز مطرح شد که در اساس درست بود و صحت آنها را بعداً مارکس از نظر علمی مدلل ساخت.

سوسیالیستهای تخیلی با طرح و اشاعه ایده های سوسیالیستی، نظام سرمایه داری و استثمار را بباد انتقاد گرفتند و خواستار جایگزینی آن با یک نظم عادلانه شدند که در آن فقر و استثمار از میان رفته باشد. این نظرات نقش مهمی در روشن کردن اذهان کارگران و ارتقاء سطح آگاهی آنها ایفا نمودند.

بامروری بر نظرات و فعالیتهای سوسیالیستهای این دوران بهتر میتوان به نقش و اهمیت آنها در ارتباط با جنبش کارگری و تکامل ایده های سوسیالیستی پی برد.

سوسیالیسم تخیلی در انگلستان

در انگلستان که مناسبات سرمایه داری پیشرفته تر و مبارزه طبقاتی توسعه بیشتری یافته بود، از همان اوائل قرن، گروهی از اصلاح گرایان اجتماعی پیدا شدند که نابرابریهای اجتماعی موجود را مورد انتقاد قرار دادند و خواستار برانداختن آنها شدند. چارلز هال و کودوین، دوتن از معروف ترین آنها بودند. چارلز هال در ۱۸۰۵ دوائر خود " تاثیر تمدن بروضعیت تهیدستان " تاثیر رشد نیروهای مولده و توسعه سرمایه داری را بروضعیت و شرایط زندگی توده های زحمتکش مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که پیشرفت نیروهای مولده فقر و انقیاد توده ها را ببار آورده است. او افزایش ثروت دردست " طبقه ثروتمند " را علت فقر و انقیاد " طبقه تهیدست " معرفی نمود. از دیدگاه او طبقه تهیدست را کسانی تشکیل میدهند که با فروش نیروی کارشان زندگی میکنند و طبقه ثروتمند از سرمایه داران و مالکین تشکیل شده است که این نیروی کار را میخرند. او کشمکش میان خریداران و فروشندگان را بر سر تصاحب سهم بیشتر از محصول کار سرمنشاء تضاد منافع و مبارزه ای میداند که میان این دو طبقه در جریان است. لذا چارلز هال خواستار انجام یکرشته اصلاحات و برانداختن نابرابری اجتماعی بمنظور پایان دادن به این مبارزه و برقراری صلح اجتماعی میگردد.

کنونی خانواده را مورد انتقاد قرارداد. در توضیح موانعی که بر سر راه رفرمهای اجتماعی او قرار داشتند وی مذهب و شکل بورژوازی خانواده را در کنار مالکیت خصوصی مطرح میسازد. " بنظر او سه مانع بزرگ وجود داشت که قبل از هر چیز راه رفرم اجتماعی او را سد میکردند: مالکیت خصوصی، مذهب و وضع کنونی خانواده " (۸۰)

اونن از تمام نقدش به جامعه سرمایه داری، جامعه ایده آلی را تصویر میکند که برمالکیت مشترک و کارمشتک مبتنی است.

سوسیالیسم تخیلی در فرانسه

در همان ایام که اوننسیسم در انگلستان شکل میگرفت، در فرانسه نیز سوسیالیسم تخیلی رواج و گسترش مییافت و دو تن از برجسته ترین متفکرین آن عصر، فوریه و سن سیمون به طرح و اشاعه نظرات سوسیالیستی میپرداختند.

سن سیمونسم

سن سیمون یکی از نمایندگان و تئوریسینهای سوسیالیسم تخیلی فرانسه بود که برغم درک ایده آلیستی اش از تاریخ و تحولات اجتماعی، به ایده تحول قانونمند و سیر مترقی تاریخ دست یافت. او این روند تحولی تاریخ را بادوره بندیهای مشخص ساخت و براین واقعیت تاکید نمود که در هر یک از این دوره ها یا مراحل تحولی تاریخ، مبارزه ای میان طبقات در جریان بوده است. او از مبارزه میان برده داران و بردگان، پاترسینها و پلب ها، فنودالها و سرفها، طبقه سوم با فنودالها و بالاخره مبارزه میان تن آسایان و کارکنان سخن بمان آورد.

برغم دیدگاه مغشوش او در مورد طبقات، دوره بندیهای تاریخی و نیروی محرکه تکامل تاریخ، اهمیت ایده های نبوغ آمیز او بجای خود باقی است و نقش خود را در تکوین ایده های سوسیالیستی و نگرش قانونمند تحول تاریخ ایفا نمودند.

سن سیمون ضمن انتقاد به نظم موجود طرح یک جامعه ایده آل بنام "نظام صنعتی" را ارائه میدهد که میباید در آن عواقب وحشتناک نظام سرمایه داری و جنگ طبقات از میان برود و صلح اجتماعی برقرار گردد.

نظامی که او تصویر میکند بر صنعت بزرگ مبتنی است. در این نظام تولید بحسب یک برنامه و نقشه صورت میگیرد تا بدین طریق آثارش اقتصادی ناپدید گردد. او نه تنها مسئله سازماندهی تولید بحسب برنامه را در مقیاس ملی بلکه جهانی مطرح ساخت. در نظامی که سن سیمون تصویر میکند، همه باید از حق کار برخوردار باشند و هر کس میباید بحسب استعدادش کار کند. علاوه بر این سن سیمون در نظام خود مساله برافتادن دولت و تبدیل شدن آن از ابزار اداره مردم به ابزار سازماندهی تولید و اداره اشیاء یا عبارت دیگر "تبدیل حکومت سیاسی بر انسانها به یک اداره ساده دستگاه تولید" را مطرح ساخت. او گذار به نظام صنعتی را از طریق انجام یکرشته رفرمها توسط طبقات حاکمه امکان پذیر میدانست که بنظر او باید نقش رهبری را در دست داشته باشند. از جمله این رفرمها، انجام اقداماتی بنفع کارگران را ذکر میکند. او بویژه در آخرین نوشته هایش بر منافع پر شمارترین طبقه که همانا توده های کارگرو زحمتکش هستند تاکید میکند و از جمله میگوید:

"تمام نهادهای اجتماعی باید دارای هدف اصلاح اخلاقی، ذهنی و مادی پر شمارترین و فقیرترین طبقه باشند." (۸۱) معهذاً او همچنان نقشی برای طبقه کارگر قائل نیست و انجام رفرمهايش را از طبقات دارا و مرفه میخواهد. علاوه بر این در طرحی که خود سن سیمون ارائه میدهد، بحثی از الفاء مالکیت خصوصی، برانداختن طبقات و استثمار نیست و نابرابری همچنان وجود دارد. این تناقضات آشکار، یعنی از یکسو طرح ایده های درخشانی که به جزء لاینفک ایده های سوسیالیستی تبدیل شدند و از سوی دیگر مسکوت گذاشتن اساسی ترین ایده های سوسیالیسم که از مدتها پیش از او مطرح شده بودند، طرفداران او را واداشت که گاهی به پیش بردارند و نظرات سن سیمون را تکامل بخشند. از این رو سن سیمونیستها نه تنها در مورد

کارگران به این طرح اونن گرایش یافتند و دست به ایجاد تعاونیها زدند. این تعاونیها در عمل برای فروش محصولاتشان با دشواری روبرو شدند. اونن بعنوان یک راه حل در ۱۸۲۲، یک "بازار مبادله عادلانه کار" در لندن تشکیل داد که در این بازار مبادله محصولات کاراز طریق پول کاغذی انجام بگیرد که واحد آن ساعت کار بود. اونن معتقد بود که تمام تعاونیهای رشته های مختلف باید محصولات را که ساخته اند به بازار مبادله مرکزی بیاورند و آنها را از طریق این اسکناسهای کار که مبتنی بر هزینه محاسبه شده مواد خام و مقدار زمان کاری که صرف تولید آنها شده بود، مبادله کنند. بدیهی است که با وجود نظام سرمایه داری در انگلیس چنین طرحی نمیتوانست دوام آورد و با شکست روبرو گردید. معهذاً بقول انگلس، تعاونیهای اونن یک نتیجه مهم داشت. " دست کم ثابت نمود که هم تاجر و هم کارخانه دار افرادی کاملاً غیر ضروری اند." (۷۹)

در این دوران، اونن ارتباط نزدیکی با اتحادیه های کارگری انگلیس برقرار نمود. او علاوه بر فعالیتهای عملی اش، در مجامع کارگری به سخنرانی علیه نظام سرمایه داری و مسائل روز میپرداخت. یکی از اقدامات برجسته اونن تلاش او برای متشکل ساختن تمام اتحادیه های کوچک و محلی در یک اتحادیه بزرگ بود. او ایده بنیانگذاری یک فدراسیون از کارگران تمام حرفه ها را مطرح ساخت و در نتیجه تلاشهای او در ۱۸۲۴ اتحادیه سراسری "بریتانیای کبیر و ایرلند" تشکیل گردید. اونن در تلاش بود که اتحادیه ها را به تعاونیهای تولید تبدیل نماید، که از نظر او میبایستی مدیریت صنایع را در دست بگیرند و تدریجاً شبکه های تعاونی را بسط دهند تا نظم نوین برقرار گردد. این دیدگاه اونن در واقع تبلیغ نوعی سندیکالیسم بود، که بهر حال با دیدگاه کارگران نسبت به اتحادیه ها تفاوت داشت. کارگران اساساً اتحادیه را وسیله ای برای تحقق مطالبات روزمره خود میدیدند. از همین رو بود که اختلاف میان اتحادیه ها و اونن تشدید گردید. بررور این اختلاف بمرحله ای رسید که طرفداران اونن خود را از فعالیتهای اتحادیه ای کنار کشیدند. عامل دیگری که به جدایی اوننسیسم از اتحادیه ها انجامید، روی آوری روزافزون کارگران به فعالیتهای سیاسی و اقدامات مستقل سیاسی بود که با نظرات اونن جور درنی آمد، چرا که او دوری از سیاست و مبارزه طبقاتی را توصیه میکرد. این نگرش از درک و برداشت ایده آلیستی اونن ناشی میشد که ریشه تمام مصائب اجتماعی را نادانی مردم میدانست. به آموزش بعنوان یکی از مهمترین اقدامات برای رهائی از شر اجتماعی مینگریست و خواهان انقلابی رادیکال در اذهان و افکار مردم از طریق آموزش بود. از همین رو او به مبارزه طبقات اعتقادی نداشت و آنرا نتیجه جهل توده ها و بیان غیر عقلانی احساسات میپنداشت. لذا حتی در آن هنگام که به سوی طبقه کارگری آورد نه رسالتی برای کارگران قائل بود و نه به فعالیت مستقل کارگران اعتقاد داشت. در اساس، ایجاد نظم نوین اونن برعهده طبقات دارا و حکومتهای کشورهای متمدن بود و آنها بودند که میبایستی تغییرات و اصلاحات مورد نظر او را بمرحله اجراء آورند. اونن منافع ثروتمندان و تهیدستان را مشترک میپنداشت، بانفی مبارزه طبقاتی به نفی سیاست میرسید، قهر و انقلاب را مردود میدانست و گذار به جامعه نوین را تنها از طریق تبلیغ نظراتش در میان همه طبقات و به شیوه ای مسالمت آمیز امکان پذیر میدانست.

با تمام این اوصاف، خدمات اونن به جنبش کارگری و برخی ایده های ارزشمندی که مطرح نمود بجای خود باقی است. اونن، نقش مهمی در آگاهی و بیداری کارگران ایفا نمود. اونن نظام سرمایه داری و استثمار را مورد انتقاد قرارداد. از نظر اونن مالکیت خصوصی عاملی است که تباهی اخلاقی و معنوی را ببار می آورد. مالکیت خصوصی علت دشمنی اجتماعی و جنگ میان ملتهاست، لذا از آنجائیکه غیر عقلانی است و با عدالت اجتماعی، پیشرفت اجتماعی و اخلاقی سرسازگاری ندارد، باید ملغا گردد. او همچنین تقسیم کار در جامعه موجود را مورد انتقاد قرارداد و آنرا تباه کننده استعدادهای طبیعی انسان معرفی نمود. یکی دیگر از ایده های مهم او ایده برانداختن تضاد میان شهر و روستا بود. علاوه بر این، اونن مذهب و شکل

تناقضاتی است که نظام اجتماعی تمدن بیار آورده است، همانگونه که بحران اقتصادی، بحران ناشی از پرخونی است. نظام تمدن، کارگران را به گرسنگی محکوم میسازد، اما در همان حال از کمبود مصرف کننده رنج میبرد. خلاصه کلام اینکه وی معتقد است که نظام اجتماعی دوره تمدن در یک دور باطل حرکت میکند، تضادهایی را می آفریند که خود قادر به حل آنها نیست.

فوریه در جستجوی راه حلی برمی آید که جامعه را از شر این تناقضات نجات دهد، به نابرابری پایان بخشد، رفاه و خوشبختی را تضمین کند، به مبارزه طبقات پایان بخشد و منجر به هم آهنگی منافع و ادغام طبقات گردد. او طرحی ارائه میدهد که بر مبنای آن نظامی ایده آل یابیه گفته او "سیستم هم آهنگی" برقرار میگردد. "در طرح فوریه، سلول اساسی سیستمی که گذار جامعه را به مرحله عالی تر تکامل ("سیستم هم آهنگی") تدارک خواهد دید، فالانژ، یک کمون تولید کننده و مصرف کننده ۱۶۰۰ نفری است. این فالانژها باید سرانجام در تمام کشورها و تمام قاره ها گسترش یابند. یک فالانژ بر مبنای داوطلبانه سازمان یافته و تحت کنترل حکومت نیست. اقتصاد آن بر کشاورزی، بستان کاری، دامپروری و پرورش طیور مبتنی است. محصولات آن عمدتاً در درون خود کمون مصرف میشوند و مبادلات بازرگانی با کمونهای همجوار به حداقل کاهش مییابد. جهت کمونها در فالانژها که ساختمانهای بزرگ مشترکی هستند زندگی میکنند و مشترکاً کار میکنند. " (۸۷) فوریه در طرح خود انجام اقداماتی را برای زدودن خصلت دافعه کار، و تخصص گرایی خسته کننده پیشنهاد میکند. او میگوید که اعضاء کمون باید در کارهای متنوع، یدی مشارکت نمایند. در جریان کار روزانه، هر عضو کمون باید در کارهای متنوع شرکت کنند و این امکان وجود داشته باشد که افراد کارشان را بحسب تمایلات و نقشه عمومی تغییر دهند. فوریه از ایده حق کار دفاع نمود و بر این نظر بود که بدون حق کار، حقوق دیگر هیچ معنایی نخواهد داشت. در زمینه توزیع نیز او نحوه توزیع بحسب کار و استعداد را مطرح ساخت.

فوریه در زمره متفکرین بزرگی است که بر مسئله رهائی زن تاکید داشت. او بود که برای اولین بار اعلام نمود "در هر جامعه ای درجه آزادی زن یک مقیاس طبیعی برای آزادی عمومی است." (۸۸)

حال که نظرات سوسیالیستهای تخیلی را مورد بررسی قرار دادیم، لازمست که پیش از ادامه بحث در مورد نقاط ضعف عمومی آنها نیز توضیحی بدهیم. برغم اینکه سوسیالیستهای تخیلی نظام سرمایه داری را بباد انتقاد گرفتند، بافشاء استثمار سرمایه داری پرداختند، از ایجاد نظمی بدون استثمار و فقر دفاع نمودند و با طرح ایده های فوق العاده درخشان و نبوغ آسا بقول انگلس "بطرز داهیهانی از پیش به چنان حقایق بیشماری پی بردند که درستی آنها را اکنون عملاً مدلل میسازیم" (۸۹) مهذا اتوپیست بودند. از آنجائیکه آنها قوانین تکامل اجتماعی و علت تقسیم جامعه به طبقات را نمیدانستند و با درکی ایده آلیستی به مسئله تحولات اجتماعی مینگریستند و از زاویه اخلاقی مصائب نظام موجود را مورد انتقاد قرار میدادند، و ایضا نمیتوانستند راز استثمار سرمایه داری را برملا کنند، قادر نبودند، نقش و رسالت طبقه کارگر، بعنوان نیروی که موجد جامعه نوین سوسیالیستی است درک کنند. لذا آنها نمیتوانستند طرق و وسائل موثری برای تجدید ساختار جامعه آینده ارائه دهند. از اینرو، آنها راه حل مسائل اجتماعی را از مغز خود بیرون میکشیدند و طرحهای تخیلی ابداع میکردند که میبایستی از خارج به زور تبلیغ و ارائه نمونه بجامعه تحمیل شود. ابتکار تحقق و اجرای این طرحها نیز برعهده طبقات حاکمه بود نه طبقه تحت ستم. پرولتاریا تنها بعنوان رنج کشیده ترین طبقه برای آنها مطرح بود. لذا برای فعالیت مستقل پرولتاریا جانی قائل نبودند. آنها نمیخواستند برای رهائی طبقه خاصی مبارزه کنند. بلکه در پی رهائی تمام بشریت بودند. آنها خود را و رای همه تضادهای طبقاتی تصور میکردند. "به همین جهت آنان هر اقدام سیاسی و بویژه انقلابی را طرد مینمایند و برآنند که از طریق مسالمت آمیز به هدف خود دست یابند." (۹۰) اتوپیستها، مبارزه طبقاتی را نفی میکردند، قهر و انقلاب را مردود

مسائل مختلفی که از سوی سن سیمون مطرح شده بود، درک روشن تری ارائه دادند بلکه مسئله الغاء مالکیت خصوصی و برانداختن استثمار را نیز مطرح ساختند.

در زمینه درک آنها از طبقات و تضاد طبقاتی بجاست که اشاره ای به نظرات یکی از سن سیمونیستها بنام ژان رینو شود. او در ۱۸۲۲ در این زمینه نوشت: "مردم ازدو طبقه تشکیل میشوند که هم از لحاظ وضعیت و هم از لحاظ منافع از یکدیگر متمایزند. پرولترها و بورژوازی. من پرولتاریا را آن مردمی میخوانم که تمام ثروت ملت را تولید میکنند که بعد از مزد کار روزانه اشان چیزی ندارند و آنها هم دائماً بر اثر رقابت تقلیل مییابند که آینده اش فقط به امیدهای ناپایدار، به صنعتی که پیشرفتی غیرقابل اعتماد و پیر هرج و مرج دارد متکی است. . . . از بورژوازی من اشخاصی را استنباط میکنم که سرنوشت پرولتاریا تابع سرنوشت آنهاست. اشخاصی که صاحب سرمایه اند و از درآمد آن زندگی میکنند." (۸۲)

همچنین سن سیمونیستها با صراحت بیشتری بر مسئله تاریخ سراسر مبارزه طبقاتی و استثمار انسان توسط انسان تاکید نمودند.

آنها بر این اعتقاد بودند که "تا بامروز انسان توسط انسان استثمار شده است. ارباب و برده، پاترسین و پلبین، سنیور و سرف، مالک و اجاره دار، مفت خور و کارگر. چنین است تاریخ بشریت تا امروز." (۸۳)

آنها نه تنها خواستار برافتادن استثمار شدند، بلکه برای نخستین بار اصطلاح استثمار انسان توسط انسان را مطرح ساختند. سن سیمونیستها علاوه بر این استدلال نمودند که چون مسئله استثمار با مالکیت خصوصی مرتبط است، لذا مالکیت خصوصی باید ملغاً گردد. مالکیت باید به دولت واگذار شود که از نظر آنها یک "انجمن کارگران" خواهد بود. آنها مدافع جایگزینی حق کار و توانایی به جای حق مالکیت بودند. (۸۴) در زمینه توزیع، از این اصل دفاع میکردند که به هر کس بحسب کارش پرداخت شود. شعار آنها این بود که در جامعه ایده آل هر کس باید مطابق توانایی و استعدادش کار کند، جایگاهی داشته باشد و بحسب کار و اعمالش به وی پاداش داده شود. طرح این ایده در همان حال که در مقایسه با کمونیسم تساوی طلب بیانگر راه حل مشخص تری بود، اما مسئله نابرابری را حل نکرده باقی میگذاشت و آنرا بشکلی دیگر ابدی میساخت.

فوریه

فوریه یکی دیگر از سوسیالیستهای تخیلی هم عصر سن سیمون بود که جامعه سرمایه داری و نابسامانی های آنرا شدیداً به باد انتقاد گرفت. بقول انگلس: "او بیرحمانه پرده از روی فقر اخلاقی و مادی دنیای بورژوازی برمیدارد و در مقابل آن از یکسو نوبدهای درخشان روشنگران سابق را درباره جامعه ای که در آن تنها عقل حکومت خواهد کرد، درباره تمدن سعادت بخش و درباره امکان تکامل نامحدود انسان و از سوی دیگر سخن پردازیهایی ظاهر آرای ایدئولوژیهای بورژوازی را قرا میدهد. او ثابت میکند که چگونه همه جا در مقابل این سخن پردازیهایی پرتین، رقت انگیز ترین واقعیتها قرار دارد." (۸۵)

فوریه نیز همانند سن سیمون به دوره بندی تاریخ میپردازد و تاریخ تکامل اجتماعی را به چهار مرحله تقسیم میکند. در این تقسیم بندی، آخرین مرحله دوره تمدن نامیده میشود. برخلاف اوئن و سن سیمون که معتقد بودند پیشرفت نیروهای مولده و ترقی صنعت به بهبود وضعیت کارگران می انجامد، فوریه بر این اعتقاد بود که ترقی صنعت و رشد ثروت اجتماعی در جامعه سرمایه داری یا به گفته او در "نظام تمدن" به بهبود جدی در وضعیت کارگران نمی انجامد. او میگفت "پیشرفت اجتماعی پندار است. طبقه ثروتمند به پیش میرود، اما طبقه فقیر همانطور که هست، هیچ باقی می ماند." (۸۶) علت این مسئله نیز در آن است که ثمره کار کارگران به جیب ارباب میرود و توسعه و موفقیت بنگاههای صنعتی به کاهش دستمزد کارگران و فقر آنها وابسته است. هر چه ثروت اجتماعی افزونتر میگردد، ثروتمندان، ثروتمند تر و فقرا فقیر تر میشوند. از اینروست که او میگوید "در تمدن فقر از وفور سرچشمه میگیرد." این در زمره همان

کارگر و زحمتکش ممکن میدانست. ثالثاً - جریان کمونیسم تخیلی مسئله مسالمت و همکاری طبقاتی را نفی میکرد، خواستار واژگونی نظم موجود به شیوه ای انقلابی بود و برانقلاب و سرنگونی قهر آمیز استثمارگران تاکید داشت. آگوست بلانکی، سوسیالیسم را بدون انقلاب سیاسی و واژگونی قهرآمیز طبقه حاکم تصور ناپذیر میدانست. او نخستین کسی است که بر مسئله تدارک و سازماندهی انقلاب تاکید میکند. وایتلینگ سقوط نظم موجود را یک انقلاب میدانست. او بر این اعتقاد بود که سیستم کمونیستی راتنها از طریق انقلاب ستمدیدگان و استثمار شدگان علیه ستمگران و ثروتمندان میتوان مستقر ساخت. حتی کابه نیز که در زمره استثنائات درون جریان کمونیسم تخیلی است که قهر و انقلاب را نفی میکند، «ایکاری» کمونیستی اش محصول یک انقلاب و قیامی عمومی است که تحت رهبری ایکاریوس بوقوع می پیوندد.

رابعا - کمونیسم کارگری تخیلی نه تنها به صراحت مسئله الغاء مالکیت خصوصی، برقراری مالکیت مشترک، لغو استثمار و طبقات را مطرح میساخت، بلکه برخلاف سوسیالیستهای تخیلی که اغلب در نظام ایده آل خود جانی برای نابرابری ثروت باقی میگذاشتند، نابرابری را رد میکرد. کمونیستهای تخیلی شدیداً با نظر سن سیمونیستها در مورد اصل توزیع بحسب توانائی مخالف بودند و آنرا بعنوان نوع جدیدی از نابرابری رد میکردند. کمونیستهای تخیلی در برابر اصل سن سیمونیستها از اصل توزیع بحسب نیازها دفاع نمودند. اصلی که در کلیت خود درست بود، برغم اینکه اجراء فوری آن در یک جامعه کمونیستی ممکن نیست.

کمونیستهای تخیلی برغم اینکه هنوز قوانین عینی تکامل اجتماعی و جایگزینی جامعه کمونیستی بجای جامعه سرمایه داری را نمی دانستند و برغم تاکیدشان بر طبقه کارگر، هنوز نقش و رسالت این طبقه رادرك نمیکردند و به اتوپیانسیم گرفتار بودند، معهداً بشکلی مستقیم تر و صریح تر از سوسیالیستهای تخیلی، آمال و آرزوها، خواستها و تمایلات پرولتاریا را منعکس میساختند.

ادامه دارد

منابع

۸۶، ۸۲، ۸۱، ۷۷ - دومقاله درباره سوسیالیسم تخیلی، پلخانف، ترجمه

فارسی

۷۸ - طرح تاریخ جنبش جهانی اتحادیه ای، ویلیام فوستر

۷۹، ۸۰، ۸۵، ۸۸ - تکامل سوسیالیسم از تخیل به علم، انگلس، ترجمه

فارسی

۸۲، ۸۴ - جنبش بین المللی طبقه کارگر، جلد اول

۸۷ - تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری، جلد اول

۸۹ - مقدمه انگلس بر کتاب جنگهای دهقانی، انگلس، ترجمه فارسی

۹۰ - مانیفست حزب کمونیست، مارکس، انگلس

میدانستند و بر صلح و مسالمت تاکید داشتند، آنها موعظه گران صلح اجتماعی بودند.

البته اینکه سوسیالیستهای تخیلی هنوز نمی توانستند شرایط مادی رهائی پرولتاریا را درک کنند، نمیتوانستند نقش مبارزه طبقاتی پرولتاریا و رسالت پرولتاریا را برانهدام نظم موجود درک کنند و می خواستند از طریق نسخه های تخیلی و " فعالیت اختراعی شخصی " شان، نتایج هولناک نظام سرمایه داری را براندازند، از محدودیت شرایط تاریخی خاص ناشی میشد. در شرایطی که هنوز تضادهای نظام سرمایه داری بحد کافی رشد نکرده بودند، مبارزه طبقاتی هنوز بسط و توسعه لازم را نیافته بود و طبقه کارگر هنوز نابالغ بود، تنوری های ناپخته و سوسیالیسم تخیلی نیز ناگزیر بود.

کمونیسم کارگری تخیلی

کمونیسم کارگری تخیلی بیانگر مرحله پیشرفته تری در تکامل ایده های سوسیالیستی، رشد مبارزه طبقاتی و خودآگاهی کارگران بود. نمایندگان برجسته کمونیسم تخیلی در فرانسه کابه، تنودور دزامی و آگوست بلانکی و در آلمان وایتلینگ بودند. در انگلستان نیز چپ ترین جناح چارتیسم در ابتدا به این گرایش تعلق داشت. هرچند جریان کمونیسم کارگری در اساس به همان مقوله سوسیالیسم تخیلی مربوط است و تفاوت کیفی با آن ندارد، با این وجود چند نکته آنرا از سوسیالیسم تخیلی که پیش از این مورد بحث قرار گرفت متمایز میسازد. اولاً - برخلاف سوسیالیستهای تخیلی که خارج از جنبش کارگری بودند و از طبقات حاکم و تحصیلکرده یاری میخواستند، کمونیسم تخیلی برخاسته از درون جنبش کارگری بود و کمونیستهای تخیلی به جنبش کارگران و زحمتکشان متکی بودند. آنها بورژوازی را دشمن کارگران میدانستند، و البته عموماً زحمتکشان و تهیدستان را نیز جزئی از طبقه کارگر میدانستند. ثانیاً - کمونیسم تخیلی، برخلاف سوسیالیسم تخیلی که کارگران را چون توده ای غیر فعال مینداشت، آنها را عنصری فعال برای رهائی میدانست و اصولاً برقراری نظام کمونیستی را از طریق مبارزه انقلابی توده زحمتکش ممکن میدانست. لذا به مبارزه سیاسی پرولتاریا اهمیت میداد و نقش مهمی در مبارزه پرولتاریا برای استقلال سیاسی و جنبش مستقل طبقاتی ان ایفا نمود. کابه مردم زحمتکش و استثمار شده را به اقدام مستقل فرا میخواند. دزامی از کارگران و زحمتکشان میخواست که با دست خود بهشت را بر روی زمین بنا کنند. بلانکی پیگیرتر از همه، خواستار اقدامات مستقل پرولتری بود و برقراری قدرت زحمتکشان را تنها راه بسوی دگرگونی اجتماعی و سیاسی میدانست. وایتلینگ هم که لومپن پرولتاریا را فعال ترین نیروی انقلاب میدانست و شدیداً بردشمنی استثمارگران و استثمار شوندهگان تاکید داشت، تجدید سازماندهی انقلابی جامعه را از طریق ابتکار عمل توده

کشتار زندانیان سیاسی در ترکیه

همچنان تداوم داشته است. در همین حال اعتراضات و تظاهراتی از سوی مخالفان دولت ترکیه در برخی از کشورهای اروپا نظیر آلمان، صورت گرفته است.

دولت ترکیه که در سرکوب و کشتار مخالفین شهره است و نسبت به انقلابیون ترکیه با قساوت و بیرحمی تمام عمل میکند، در حالی دست به سرکوب و کشتار زندانیان سیاسی زد، که با یک موج اعتراض و مخالفت همگانی کارگران و زحمتکشان

اختلافات و کشمکشهای جناحهای مختلف بورژوازی به یک بحران قدرت و ناتوانی آنها در تشکیل کابینه انجامیده است. این بحران سیاسی همراه بحران اقتصادی ژرف، حاکی از آنست که طبقه حاکم ترکیه در بن بست ناتوانی قرار گرفته است. رژیم ترکیه که با بحرانهای متعدد روبروست و توان حل تضادها و معضلات جامعه ترکیه را ندارد، میکوشد با تشدید سرکوب مانع از رشد مبارزه و رادیکالیزه شدن جنبش توده ای گردد. اما این اقدامات سرکوبگرانه، در شرایط بحرانی ترکیه، نتیجه دیگری جز تشدید بحرانهای دولت ترکیه نخواهد داشت.

ترك و كرد روبروست. اعتصابات کارگران ترکیه طی چند ماه اخیر پیوسته گسترش یافته و مبارزه توده ای ابعاد وسیعی بخود گرفته است. در همین حال برغم سرکوب ددمشانه انقلابیون و مبارزین کرد طی چند سال گذشته و حتی بمباران روستاها و کشتار مردم بی دفاع کرد، جنبش مسلحانه در منطقه کردستان نیز به یک جنبش توده ای و قدرتمند تبدیل شده است. رشد این مبارزات مردم زحمتکش ترك و كرد، بحران همه جانبه ای را که رژیم ترکیه با آن روبروست تشدید نموده است. در عرصه اقتصادی، این رژیم با یکی از وخیم ترین بحرانهای اقتصادی روبروست. در زمینه سیاسی،

جدائی دین از دولت، جزئی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی

یادداشت‌های سیاسی

گرامی باد هفتاد و هشتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر!

* تحرکات دیپلماتیک

جمهوری اسلامی

طی هفته های اخیر مقامات جمهوری اسلامی تلاش گسترده ای جهت بهبود موقعیت بین المللی رژیم و خروج از انزوای سیاسی بکار گرفته اند. سفرهای متعدد ولایتی وزیر امور خارجه به کشورهای مختلف اروپایی و آسیایی، سفر رفسنجانی رئیس جمهور به بنگلادش، ویتنام و فیلیپین، مسافرت رئیس مجلس به برخی از کشورهای اروپایی و سفر مقامات رده دوم وزارت امور خارجه به برخی کشورها نشانی از تحرکات بین المللی رژیم در این زمینه است. رژیم جمهوری اسلامی که بنابه مجموعه اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دیگر در داخل ایران و در رابطه با مردم ایران، جانی برای مانور دادن ندارد، هر لحظه در هراس از وخامت بیشتر اوضاع و رشد بیشتر جنبش توده ای تلاش میکند در عرصه بین المللی حمایت دولتهای مختلف را جلب کند، خود را از انزوای سیاسی نجات دهد و به اوضاع از هم گسیخته اقتصادی سروسامان دهد. در مقابل اعلام تحریکهای اقتصادی از سوی امپریالیسم آمریکا، جمهوری اسلامی تلاش دارد با نزدیک شدن به کشورهای اروپایی اولاً از تضاد میان اروپا و آمریکا بهره جوید و ثانیاً تاثیرات قطع خرید نفت توسط شرکتهای آمریکائی را به حداقل برساند. چندی پیش که ادوارد هیت این سیاستمدار کهنه کار انگلیسی که ظاهراً هیچ مقام در خورتوجه رسمی نیز ندارد به ایران آمد و علیرغم آنکه سفرش " شخصی " اعلام شد، با وزیر خارجه، دبیر شورای امنیت ملی و بسیاری دیگر از مقامات جمهوری اسلامی دیدار کرد، روزنامه های

رژیم این جمله ادوارد هیت را تیتتر بزرگ اخبار خود کردند: " امروز دیگر نظام دوقطبی فروپاشیده و قدرتهای دیگر همچون ژاپن، چین و اروپا پا به عرصه بین المللی گذاشته اند. . . آمریکا باید خود را با شرایط جدید بین المللی وفق بدهد و فکر اعمال قدرت و تحمیل یکجانبه سیاستهای خود را از سر بیرون کند. " انعکاس این سخنان دروسانل ارتباط جمعی جمهوری اسلامی چنان بود که گویا ادوارد هیت از زبان سران جمهوری اسلامی سخن گفته است. البته آنچه که او گفته واقعیتی است اما تا آنجا که به رژیم حاکم بر ایران مربوط میشود، عوامل متعددی سبب میشوند که رژیم نتواند از اوضاع کنونی استفاده مورد نظر را بنماید. اولاً اینکه کشورهای اروپائی علیرغم تضادهائی که با امپریالیسم آمریکا دارند و علیرغم آنکه تلاش میکنند در رقابت با سایر امپریالیستها سهم بیشتری از ثروتهای ملی کشورهای عقب افتاده را تاراج کنند بنابه عملکرد تاکتونی جمهوری اسلامی، تحریکات پان اسلامیستی رژیم، بی آبرونی رژیم در سطح بین المللی در زمینه نقض حقوق اولیه مردم ایران نمیتوانند در حد مطلوب جمهوری اسلامی به حمایت از آن برخیزند. ثانیاً مساله فتوای قتل سلمان رشدی که مدهاست ظاهراً به نقطه کشاکش اروپا و جمهوری اسلامی تبدیل شده است هنوز پاسخ قطعی نگرفته است. اتحادیه اروپا جهت محکم کاری میخواهد از جمهوری اسلامی کتبا تضمین بگیرد که حداقل در محدوده اروپا اقدام به ترور سلمان رشدی نکند. امری که رژیم بنا به مجموعه تناقضات درونی اش قادر به انجام آن نیست. ثالثاً وخامت اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی، ناتوانی در بازپرداخت وامهای دریافت شده

* کشتار زندانیان سیاسی در ترکیه

مطبوعات در اواخر مهرماه خبر دادند که در پی اعتراض زندانیان سیاسی زندان بوجان از میر نسبت به انتقالشان به یک زندان دیگر، نیروی سرکوب دولت ترکیه با استفاده از گاز اشک آور به زندان یورش بردند و طی درگیریهایی که بوقوع پیوست، ۳ تن از زندانیان سیاسی کشته و ۲۵ تن زخمی شدند که اکثراً وابسته به سازمان چپ انقلابی ادوسول هستند. این اقدام وحشیانه دولت ترکیه که با قساوت و بیرحمی به سرکوب و کشتار زندانیان بی دفاع دست زد، اعتراضات متعددی را در ترکیه و برخی کشورهای دیگر برانگیخت.

در پی این رویداد حدود ۱۱۰۰ تن از زندانیان سیاسی در سراسر ترکیه دست به اعتصاب غذا زدند و اعلام نمودند تارسیدگی به این درگیری و مجازات قاتلین و ایجاد کنندگان درگیری، به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. طبق آخرین اطلاعات، این اعتصاب غذا تا اوائل آبان ماه

کمکهای مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به آدرس سازمان ارسال نمایند.

I.W.A.
6932641 Postbank
Holland

برای ارتباط با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به آدرس زیر پست کنند.

Postfach 5312
30053 Hannover
Germany

KAR Organisation Of Iranian People's Fedai Guerrillas (Minority)
No. 283, Nov 1995

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق